

## نمره - ۱۵۰

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۷ اوت) طهران ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ مرداد ۱۲۸۹؛ ۱ شعبان ۱۳۲۸] در ساعت ۲ و ۲۰ دقیقه بعد از ظهر شلیک و تیراندازی غیر مرتب شروع شد و هنوز مداومت می نمایند.

اتاشه نظامی سفارت در شهر مشغول حفظ و مواظبت سفارتخانه است.

## نمره - ۱۵۱

تلگراف مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۸ اوت) طهران ۸ اوت ۱۹۱۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۹؛ ۲ شعبان ۱۳۲۸] راجع به تلگراف ۷ اوت من

دیشب مجاهدین تسلیم شدند و ستارخان زخم برداشته است. شهر بعد کمال ساکت و منظم است.

## نمره - ۱۵۲

مراسله سر ادوارد گری به مستر ایبرن [ایرون] وزارت خارجه انگلیس ۸ اوت ۱۹۱۰ [۱۶ مرداد ۱۲۸۹؛ ۲ شعبان ۱۳۲۸] آقا

در تلگراف خود مورخه ۲۸ شهر ماضی از سر آ. نیکلسن خواهش نمودم که به دولت روس پیشنهاد نماید که به نمایندگان دولتین در طهران تعلیمات فرستاده شود که در خصوص عدم امنیت طرق تجارتهی ایران متفقاً به دولت ایران اظهارات سخت و جدی بنمایند.

اینک سواد مراسله ای را که از شارژدافر دولت اعلیحضرتی مقیم طهران رسیده و اوضاع ناگواری را که مستلزم چنین اقدامی از طرف ما شده شرح می دهد لفاً ایفاد می دارم. مشارالیه چنین ارائه طریق می نماید که به دولت ایران اخطار شود که اگر تا آخر سپتامبر اعاده نظم در طرق تجارتهی نمایند خود دولت اعلیحضرتی انگلیس انجام این امر را به عهده خواهد گرفت.

من اکراه دارم که دولت اعلیحضرتی را به اندازه ای که پیشنهاد شده دوچار مسلك و پلتيك مداخله نمايم ولی ترجیح می دهم که ابتداء اصرار در این امر نمايم که بتوسط هشت یا ده نفر از صاحب منصبان قشون هند که حکومت هندوستان بعنوان امانت به دولت ایران بدهد قوه امنیه ای مرکب از هزار الی هزار و دویست نفر گرفته و مشق داده شوند بدان امید که این اقدام برای حصول مقصود کافی خواهد بود لهذا از شما خواهش می کنم که طرح این نقشه و مقصود و

منظور را به دولت روس تشریح نموده و پیشنهاد نمایید که در موقعی که اخطار مندرجه در تلگراف فوق‌الذکر به دولت ایران می‌شود هر دو نماینده باید در قبولاندن آن به دولت ایران اصرار و تأکید نمایند.

بنده... ادوارد گری

### نمره - ۱۵۳

تلگراف مستر مارلینگگ به سر ادوارد گری (واصله ۹ اوت)

طهران ۹ اوت ۱۹۱۰ [۱۷ امرداد ۱۲۸۹؛ ۳ شعبان ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه هفتم اوت - تلفات طرفین از قرار مذکور از طرف قشون دولت هفت نفر مقتول و بیست و سه نفر مجروح - از طرف مجاهدین ۱۸ نفر مقتول و ۴۰ نفر مجروح‌اند.

به عوض آنکه سیصد قبضه تفنگ چنانچه انتظار می‌رفت به دست آید کمتر از ۷۰ قبضه در پارک به دست آمده است. چنین مذکور است که بقیه در دریاچه عمیق پارک انداخته شده‌اند ولی توضیح و خبر دیگر این است که بختیاریمها در مدت شب بقیه تفنگها را برده‌اند.

از سایر نقاط شهر کمتر از این مقدار تفنگ تسلیم شده و معلوم نیست که مسئله خلع اسلحه بخوبی و کامیابی انجام شده باشد. بختیاریمها در پارک و چند خانه مجاور کمی غارت کردند از جمله آنها خانه مسیو اسمیرنوف معلم روسی شاه است که غارت شده ولی خسارات او چندان زیاد نبوده است.

وزیر خارجه از من می‌خواهد که درهای سفارت بسته باشند و بازارها در يك قسمت از روز بسته بودند.

### نمره - ۱۵۴

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ اوت)

از پترزبورغ ۱۵ اوت ۱۹۱۰ [۲۳ امرداد ۱۲۸۹؛ ۹ شعبان ۱۳۲۸]

کفیل وزارت امور خارجه اظهار می‌دارد که به پیشنهادات جنابعالی مندرجه در مراسله هشتم شهر حال راجع به اعاده انتظام در طرق جنوبی ایران مانع و عایقی نمی‌بیند ولی میل دارد قبل از اینکه جواب قطعی در این موضوع بدهد رأی و نظریات وزیرمختار روس مقیم طهران را کسب نماید. چنانچه برای همین مقصود به مسیو پاکلوسکی تلگراف نموده است.

## نمره - ۱۵۵

تلگراف مستر ابرون به سر ادوارد گری (واصله ۲۳ اوت)  
 از پترزبورگ ۲۲ اوت ۱۹۱۰ [۳۰ مرداد ۱۲۸۹؛ ۱۶ شعبان ۱۳۲۸]  
 راجع به تلگراف من مورخه ۱۵ اوت - یادداشتی از کفیل وزارت خارجه  
 دولت امپراطوری رسیده حاکی براینکه به وزیر مختار روس مقیم طهران تعلیمات  
 داده شده که با همکار انگلیسی خود در اظهارات نسبت به دولت ایران راجع به  
 عدم امنیت بعضی راههای تجارتي شرکت نمایند.  
 وزیر خارجه در تشکیل قوه‌ای در تحت فرمان صاحب منصبان هندی شبیه  
 به بریگاد قزاق مانعی نمی‌بینند.  
 از اطلاعاتی که اخیراً به دست آمده عقیده دولت روس بر آن است که اگر  
 به دولت ایران به عوض دو ماه سه ماه مهلت برای اعاده انتظام داده شود بهتر و  
 پسندیده‌تر است مخصوصاً نظر به اینکه عملاً قریب فرمانفرمای جدید برای ایالت  
 فارس تعیین و معرفی خواهد شد.

## نمره - ۱۵۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اوت)  
 از قلمک ۲۴ اوت ۱۹۱۰ [۱ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱۸ شعبان ۱۳۲۸]  
 راجع به تلگراف مستر ابرون مورخه ۲۲ اوت.  
 من موافقم بر اینکه برای اعاده نظم به دولت ایران سه ماه مهلت  
 داده شود.  
 گمان می‌کنم که عزم دولت بر این است که عین‌الدوله را بجای ظفرالسلطنه  
 به ایالت فارس مأمور نماید و تا حدی که من می‌توانم تشخیص بدهم تعیین این  
 ایالت آتیۀ خوشی را وعده می‌دهد.  
 اخطار پیشنهادیه‌ای راجع به طرق جنوبی در موقعی که در لندن از من  
 کسب رأی و مشورت نمودند در نظرم آمد و هنوز در صلاحیت چنین اقدام راسخم،  
 ولی اگر با این اخطار پولی به دولت ایران داده نمی‌شود، به نظر من صلاح و  
 مقتضی است که عجلتاً آن را به عهده تعویق بیندازیم.  
 کابینه فعلیه آتیۀ خوش نشان می‌دهد. و چنین اعلام داشته‌اند که اعاده نظم  
 از وظایف و اقدامات اولیۀ آنها خواهد بود.

## نمره - ۱۵۷

تلگراف سر ادوارد گری به مستر اپرون  
وزارت خارجه انگلیس ۲۷ اوت ۱۹۱۰ [۶ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۱ شعبان ۱۳۲۸].  
راجع به تلگراف سر جرج بارکلی مورخه ۲۴ اوت  
به دولت روس اطلاع دهید که من با عقیده سر جرج بارکلی همراهِ و  
موافقم که اخطار منظوره تا يك مدتی به تعویق انداخته شود.

## نمره - ۱۵۸

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)  
قلمك ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ مرداد ۱۲۸۹؛ ۱ شعبان ۱۳۸۲]  
آقا

سواد مشروحهای که از کفیل قنسولگری دولت فخمه مأمور کرمانشاهان  
رسیده و در آن اغتشاشاتی که جدیداً در آنجا بروز کرده و همچنین اقداماتی را  
که خود مشارالیه برای تقویت و تأیید همکار روس خود کرده است تفصیل داده با  
کمال افتخار انفاً تقدیم می‌دارم  
به عقیده من مستر «ناکس» کفایت و درایت قابل تمجیدی در يك موقع مشکلی  
بروز داده و من کلیه اقدامات او را در این موضوع کاملاً تحسین و تصدیق نمودم  
وزیرمختار روس نیز شفاهاً اظهار قدرشناسی از خدمات مستر ناکس نموده است.  
بنده ... چارلز مارلینگک

## ملفوفه در نمره ۱۵۸ [در اصل ۱۵۷]

مراسله مستر ناکس کفیل قنسولگری کرمانشاهان به مستر مارلینگک  
از کرمانشاهان ۲۸ ژوئیه ۱۹۱۰ [۵ مرداد ۱۲۸۹؛ ۲۱ رجب ۱۳۲۸]  
با کمال افتخار راپورت می‌دهم که از صبح ۲۴ ژوئیه نمایشها و هیجان سخت  
ضد روس به ظهور پیوست. در شب بیست و سیم یکی از سربازهای فوج کسند،  
در باغ قنسولخانه روس تیر خورد.  
قبل از این سربازها اردوی حکومتی اتصالاً به قصد دزدیدن میوه در شب  
داخل باغ می‌شدند و در نظر از باغیانها را زخم زده بودند.  
این شخص مقتول در وهله اول مقارن نصف شب در نزدیکی خانه مسیو  
لیسوسکی دیده شده بود. به محض اینکه از فریاد و تهدید نموده‌اند فرار نمود  
ر يك ساعت بعد همان شخص مراجعت نموده این مرتبه هدف تیر شد.  
صبح روز بعد بیش از ۱۰۰ نفر از سربازهای همان فوج جلوی خانه قنسول  
روس آمده و هیجان و نمایش شدیدی نموده و به فریاد بلند به مسیو لیسوسکی و

دولت متبوعه‌اش اهانت کرده و سنگها انداخته‌اند.

به محض مشاهده اول علامت خطر تمام مستحفظین و مستخدمین ایرانی فرار اختیار نموده و مسیو لیسوسکی را با دو نفر قزاق روس تنها گذارده‌اند.

در موقعی که خود مسیو لیسوسکی در بالاخانه ظاهر شد یکی از سربازها داخل باغ شده و با تفنگش به طرف او قراول رفت یکی از قزاقهای روس سرباز را از عقب گرفته و به این جهت قراول تفنگ منحرف شده و صدمه‌ای وارد نیاورد. فوراً پس از آن بیست یا سی نفر از قزاقان ایرانی از طرف اردوی نظام‌السلطنه وارد شده سربازها را متفرق نموده و آن سرباز خطاکار را تنبیه نمودند و فعلاً در خانه حکومت توقیف است.

کمی بعد مصمص الممالک رئیس سوار و رئیس قشون و چندین نفر از محترمین کشوری به آنجا آمدند که عذرخواهی نموده و وسایل حفاظت و حراست قنصل را کاملاً فراهم نمایند. قریب پنجاه نفر قزاقهای ایرانی که ساخلو شهرند در باغ قنصلوگری گذارده شده‌اند و در هنگام شب سواران در اراضی و اطراف گردش می‌کردند. در ظرف این روزها و روز بعد هیچ اغتشاشی بروز نکرد لیکن دستجات کوچک سرباز کردند از در خانه قنصل می‌گذشتند و فریاد و فحاشی و بدگویی را به مسیو لیسوسکی بلند می‌کردند.

عصر بیست و پنجم نظام‌السلطنه خود به دیدن قنصل روس آمده همه قسم معذرت خواسته و برای آتیه اطمینانات داده‌اند و همچنین در همان روز وعده دادند که آن فوج را خلع نمایند مع وجود ذلک حکمران مشارالیه به قنصل اخطار نمود که قزاقهای روسی فعلاً در کوچه‌ها ظاهر نشوند.

صبح روز بعد سراسله‌ای از همکار روس من به من رسید و در آن اظهار امیدواری نموده بودند که مسئله قریب به تسویه شدن است. عصر همان روز من به دیدن ایشان رفته و دیدم که وضع سخت‌تر شده است به این طریق که بعد از ظهر همان روز در موقعی که قنصل با صاحب منصب مستحفظین که نظام‌السلطنه فرستاده بود در جلوی ایوان ایستاده بودند سه نفر از سربازان کردی از آنجا عبور کرده و یکی از آنها تفنگ خود را به طرف او قراول رفته است و قبل از اینکه تفنگ را خالی کند قزاقان ایرانی او را گرفته‌اند و اینک در توقیف است.

علاوه بر این بعضی نماینده‌ها و بدگوییمهای دیگر در جلوی قنصلخانه کرده شده است - همکار روس من حالیه ظاهراً مصمم است که اگر این اوضاع ناگوار فوراً خاتمه نپذیرد بی‌درنگ برای پروتست از کرمانشاه با مستحفظین خود عزیمت نماید. من آنچه ممکن بود برای انصراف او از این خیال کردم و حاضر شده و پیشنهاد کردم که تا رسیدن جواب دولت روس شخصاً و مستقلاً به قدر امکان به نظام‌السلطنه اعمال فشار و اصرار بنمایم که فوج کرد را فوراً خلع اسلحه نموده و استعداد جدیدی تهیه نمایند تا اینکه از حفظ امنیت و انتظام عمومی اطمینان حاصل شود قنصل روس این پیشنهاد مرا به خوبی و امتنان پذیرفتند.

لہذا اقداماتی را کہ در نظر داشتم تلگرافاً [= تلگرافی] بہ طہران اطلاع دادہ و روز بعد صبح زود مراسلہ تندی بہ حکمران نوشتہ و خلع اسلحہ فوج کردند و حاضر کردن فوج جدید را جدأ خواستار شدم و دلیل این تقاضا را این طور نوشتہ کہ چون اغتشاش محل بہ حدی است کہ جان قنسول در خطر است من نیز هیچ وسیلہ و ضمانتی برای تامین اتباع انگلیس نمی توانم داشتہ باشم.

در تعاقب مراسلہ من خود بہ ہمراہی قزاقہای ایرانی کہ حکومت بصرافت طبع برای استحفاظ من فرستادہ بودند بہ دیدن حکمران رفتہم و در آغاز صحبت بہ ایشان گفتم کہ اگر جنابعالی حاضر و مایلید کہ با من با یک اعتماد و صداقت و صفائی مذاکرہ و معاملہ نمایند و صلاح اندیشی من را همان طوری کہ دوستانہ دادہ می شود دوستانہ بپذیرند ممکن است یک راه حلی برای این اوضاع ناگوار یافتہ شود. پس از آن بہ جناب ایشان اطلاع دادم کہ قنسول روس مصمم بودند کہ بہ محض تجدید بروز این اغتشاشات بہ عنوان پروتست از شہر خارج شوند و نتیجہ این اقدام چہ برای حکمران چہ برای آتیہ ایران وخیم خواهد بود.

در مقابل و جواب این اظهارات جناب ایشان منکر شدند کہ توهین و اطالہ لسانی نسبت بہ قنسول یا بیدق روس وارد شدہ باشد و همچنین جناب ایشان با یک عقیدہ ثابتی اظهار داشتند کہ هیچ سوء قصدی نسبت بہ جان قنسول نشدہ است.

خوشبختانہ من حکایتی را کہ ہمکار روس من بہ منشی باشی نظام السلطنہ گفتہ بود و شب گذشتہ شنیدہ بودم کلمہ بہ کلمہ بہ خاطر داشتہ و برای جناب ایشان نقل و تکرار کردم ایشان را متوجہ و متذکر ساختم کہ اقدامات خودشان تکذیب این اظهاراتشان را می نماید. چنانچہ برای رفع اغتشاشات اولیہ قشون و استعداد فرستادند و صاحب منصبان کشوری و لشکری را بہ عذرخواہی کسبیل ساختند بعلاوہ خود جناب ایشان از مسیو لیوسکی عذرخواہی نمودند و اخطار کردند کہ کوچہ و معابر برای تردد قزاقہا مأمون نیستند و دیگر آنکہ جناب ایشان همان روز صبح اقدام غیر معمولی کردہ و عدہای سوار برای استحفاظ من فرستادہ اند. پس از این استدلالات بہ طرز خیلی دوستانہ از ایشان تمنی نمودم کہ این حالت استقامت و رفتار را ترک نمودہ و با من بہ صافی و صداقت معاملہ نمایند ولی متأسفانہ در جواب همان انکار جامد جدی را شنیدم حتی اینکه تکلیف نمودہ اند کہ مجلسی با من و مسیو لیوسکی منعقد نمایند و از فرماندہ سوارہایی کہ بہ قنسولخانہ روس فرستادہ اند در این خصوص تحقیقات و استنطاقات نمایند من در جواب بہ ایشان اطمینان دادم کہ بین دو قنسونگری صداقت و یگانگی کامل موجود است و آن ایامی کہ یک حاکم ولایتی در ایران می توانست بہ وسیلہ تواید سوء ظن بین قنسولہای انگلیس و روس بہ مقاصد خود نایل گردد درگذشتہ است. بعلاوہ گفتم کہ من در اینجا برای تفتیش و تعیین حقانیت و درستی ہمکارم نیامدہ ام بلکہ آمدہ ام اجرای وظیفہ حکومتی جنابعالی را کہ نسبت بہ نمایندگان و اتباع

دول خارجه داريد جداً بخواهيم. لهذا جناب ايشان اطمینانات کامله دادند که دستة ۱۰۰ نفره‌ای را که شخص مقتول جزو آن دسته بوده فوراً خلع اسلحه کرده و در خصوص بقیه فوج منتهی اهتمام را در خلع و انفصال آنها نموده و بدون تأخیر عوض آنها را تهیه نمایند.

پس از آن من مستقیماً نزد قنسول روس رفته و از وضع و حالت حکومت، ايشان را آگاهی دادم. همکار من فوراً صاحب منصب مذکور را احضار نموده و مشارالیه در مقابل خواهش ما آنچه واقع شده بود تماماً نقل کرده و مطالب مذکوره فوق را کاملاً تصدیق نمود علاوه بر آن سربازهای قنسولخانه خودمان که از همین فوج بودند در مقابل تحقیقات بی طرفانه میرزای قنسولگری عین همان تفصیل را تصدیق نموده‌اند.

عصر همان روز ۳ ساعت بعد از ظهر حکومت يك دسته از فوج کردند را حقوق داده و خلع اسلحه کردند. بعد از آن آنها را تحت الحفظ از شهر خارج نمودند. دیگر پس از این اتفاقات به حکومت اظهاری نکرده‌ایم و منتظریم که تعلیمات و دستورالعمل شما در خصوص رفتار خود نسبت به حکمران برسد.

امروز صبح جواب رسمی مراسله خود را دریافت نمودم. نظام السلطنه در این مراسله جوابیه اظهار می‌دارد که انتظام کامل موجود است و هیچ توهین نسبت به اتباع یا قنسولخانه روس وارد نشده است ولی با وجود این انکار خلع اسلحه دستة سرباز کردی را به من اخبار می‌دهد و همچنین از خیال و نقشه خود در خصوص خلع و گرفتن عوض بقیه فوج مرا آگاه می‌سازد. روی هم رفته امروز وضع امیدبخش‌تر است و لیکن از وضع ناصحیح و حالت مفایرت حکومت به نظر نمی‌آید که اوضاع کاملاً ترمیم و اصلاح شوند و می‌ترسم که واداشتن او برای نکه دست از این انکارات بی‌عقلانه لغو بکشد غیرممکن باشد. گذشته از این مسئله نظام السلطنه آنچه در قوه داشته با يك جلدی و جدیتی در خصوص تهیه مستحفظه کافی برای قنسول روس انجام داده.

احساسات ضد خارجه در عامه مشهود و معلوم است و لیکن گمان می‌کنم که بعد از اقدام حکومت در خلع و عزل این دسته فوج احتمال چندان نمی‌رود که دیگر اقدامی بر ضد قنسول روس کرده شود.

از دیروز بعد از ظهر سیم تلگراف مقطوع است. تلگراف فوری که حاکی نتیجه ملاقات من بود دیروز ممکن نشد مخابره بشود و نه قنسول روس هنوز جوابی به تلگراف خود که راپورت تجدید اغتشاشات را داده بود دریسافت نموده است.

مسیو لیسوسکی که در مدت این ۴۰ روزه گرفتار يك حالت عصبانی دائمی بوده در تمام مدت با يك مدارا و ملایمتی رفتار نموده، در بعضی موارد مستحفظین خود را به اشکال زیاد از شلیک کردن به طرف سربازهای بیرون جلوگیری نموده در هیچ مورد اقدام بی‌تأملی کرده نشده است. بنده... ناکس

## نمره - ۱۵۹

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت) از قلمک ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ امرداد ۱۲۸۹؛ ۵ شعبان ۱۳۲۸] آقا.

خلاصه وقایعی که در طهران و ولایات در مدت چهار هفته گذشته اتفاق افتاده اینک با کمال افتخار لفا تقدیم می‌دارم.

در اوضاع امور جنوب متأسفانه بهبودی یا دوام مادی حاصل نشده و لیکن در اواخر ماه گذشته در مدت قلیلی امنیت راه بین شیراز و اصفهان بهتر بوده است. راه بین اهواز و اصفهان حالیه بالنسبه امن و منظم است. به دولت ایران پیوسته تأکید و اصرار کرده‌ام که برای اعاده انتظام در فارس اقدامات مؤثره بکنند ولی بحران کابینه سابق و اشکالاتی که وزراء جدید را در طهران احاطه نموده تاکنون مانع شده‌اند از اینکه کاری در این موضوع کرده شود. لیکن امید که عزل و احضار ظفرالسلطنه از فارس که مکرر از عدم کفایت او شکایت کرده‌ام علامت این باشد که دولت یا‌الآخره تصمیم نموده که این مسئله را جداً مورد توجه قرار بدهد.

بنده ... چارلز مارلینگک

## ملفوقه در نمره ۱۵۹

خلاصه ماهیانه ایران در چهار هفته لغایت ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ امرداد ۱۲۸۹؛ ۵ شعبان ۱۳۲۸]

## طهران

سید عبدالله مجتهد معروف طهران که در تمام جنبش و جوشش مشروطه خواهی شرکت و دخالت عمده داشت ولی اسم و شهرت خوبی نداشت در شب شنبه ۱۶ ژوئیه ۱۹۱۰ [۲۵ تیر ۱۲۸۹؛ ۹ رجب ۱۳۲۸] بدست چند نفری که در پنهان داشتن هویت خودشان چندان اهمی نداشتند مقتول گردید.

قاتلین مزبوره از مجاهدین بوده‌اند و قتل بطور وضوح پلٹیکی بوده و مقصود مرعوب کردن فرقه‌ای که ایشان طرفدار و حامی آن فرقه محسوب می‌شدند بوده و یا اینکه منظور خاتمه دادن به اسباب چینیمهایی بوده که آقای مذکور برضد فرقه معینی از ملیون می‌کردند.

فرقه‌ای را که تقی‌زاده از مهم‌ترین و معروف‌ترین اعضاء آن است، مسؤل این قتل می‌دانند و کمی بعد از این اتفاق تقی‌زاده مجبور به خروج از مملکت گسردید.

ارتکاب این قتل در پایتخت هیجان فوق‌العاده حادث نموده و عده زیادی از تجار



و دیگران در یکی از مسجدهای بزرگ طهران اجماع کرده و به او ایام امور فشار می‌آوردند که مقصرین را دستگیر نمایند.

در تاریخ ۲۵ ژویه کابینه جدید که با اشکال زیاد تشکیل شده به توسط مستوفی‌الممالک رئیس‌الوزراء به مجلس معرفی شدند. اعضاء کابینه مزبور از قرار ذیل است:

وزیر داخله	فرمانفرما
وزیر خارجه	حسینقلی‌خان
وزیر مالیه	حکیم‌الملک
وزیر جنگ	قوام‌السلطنه
وزیر عدلیه	دبیرالملک
وزیر پست و تلگراف	اسدالله میرزا

در تاریخ غره همین ماه مجاهدین مرتکب جنایت دیگری گردیدند ولی این مرتبه مرتکبین از حزبی بودند که ظاهراً مخالف یا ملیون تنداند زیرا که یکی از مقتولین این واقعه میرزا علی‌محمدخان همشیره‌زاده تقی‌زاده بوده است. این اتفاق به منزله انتقام قتل آقا سید عبدالله مجتهد ملاحظه و محسوب می‌شود.

کابینه جدید بنا بر این اتفاقات ناگوار خلع اسلحه مجاهدینی را که مسئول این جنایات و عدم امنیت عمومی هستند مقتضی و لازم دانست. بناء علی هذا در تاریخ ۵ شهر حال اعلانی صادر و منتشر کرده و مجاهدین را دعوت و حکم به خلع اسلحه نمودند ولی آنها در جواب در تحت ریاست ستارخان معروف مدافع تبریز اتحاد کرده و در پارک اتابک مرحوم مجتمع شده و بعضی تقاضاها از دولت نمودند. این وضع امور تا هفتم شهر حال باقی بود ولی در آن تاریخ دولت مصمم شد که قوای قهریه در مقابل آنها اعمال نمایند.

در دو ساعت و نیم بعد از ظهر هفتم شهر حال بین یک نفر مجاهد و چند بختیاری در پارک گفتگویی شده و به یکدیگر تیر انداختند و این مسئله سبب شد که بین پیروان ستارخان و قشون دولت جنگ و جدال شروع شود. قشون دولت توپها را به نقاطی که مشرف بر دیوارهای پارک و در نزدیکی سفارت دولت اعلیحضرتی انگلیس واقع بود کشیده و نایره جدال و قتال اشتغال یافت و طرفین قورخانه زیادی مصرف کردند.

بالاخره در هنگام شب قشون دولت در آن قسمتی از حصار پارک که روی به سفارت فرانسه است مدخلی به دست آورده از آن مدخل بختیارها داخل پارک شده و ستارخان را با باقرخان و تمام همراهانش که قریب ۳۰۰ نفر بودند از جمله آنها عده‌ای از کسبه بی‌اسلحه بودند دستگیر نمودند. ستارخان در جنگ زخم برداشته و ۱۸ نفر از مجاهدین بر سر مضغله مقتول و قریب چهل نفر مجروح شدند. از طرف دولت از قرار مذکور ۷ نفر مقتول و ۲۳ نفر مجروح شده‌اند. در این جنگ سوارهای بختیاری در تحت فرمان سردار بهادر پسر ارشد سردار اسعد

شجاعت کرده و یقزم رئیس نظمیه نیز از طرف دولت در خدمت بر همه مقدم و پیشقدم بوده است.

مجاهدین مقاومت چندانی نکردند و بدون شبهه دلیل عمده مهمی نبودن آنها برای جنگ و مستعد نبودن محل جنگ برای مدافعه بوده است. دو روز بعد سردار محیی معزالسلطان که یکی از رؤسای مجاهدین بوده و با رئیس‌الوزراء سابق سپهدار ارتباط مخصوص دارد با دسته خود در سفارت کبرای عثمانی در شمیران متجمع گردید و عجالتاً چنین به نظر می‌آید که عنصر اغتشاش در طهران اطمه سختی خورده و باین وسیله نفوذ و حیثیت کابینه جدید محتمل است زیاد شود. جلسات علنی مجلس در مدت چهار هفته گذشته مستلزم دادن راپورت مخصوص نیست زیرا که دارای اهمیت مخصوص نبوده و اکثر مسائل مهمه مجلس مثل معمول در جلسات خصوصی مذاکره و تصفیه شده است. ناصرالملک در آخر ژویه به طرف اروپا حرکت کرده‌اند.

#### تبریز

از قرار معلوم حاکم مراغه چندی قبل صاحب منصبان دسته پلیس را که ایالت آذربایجان به آنجا فرستاده گرفته و چوب مفصلی به آنها زده است و مذکور است که فرمانفرمای آذربایجان در خیال است که استعداد کافی برای تنبیه این مقصر اعزام نماید.

مستر «استیونس» را عقیده بر آن است که حکومت مراغه که از ارتجاعیون است دارای قوه و استعدادی است که اجرای این اراده ایالت را مشکل می‌نماید.

#### مشهد

رکن‌الدوله که از حکومت خراسان معزول شده بود به واسطه تغییراتی که در وزراء حادث شده در مقام خود باقی ماند.

رئیس قشون خراسان در اوایل ژویه از لشکرکشی ناقص که به حدود غربی خراسان کرده بود مراجعت نمود. مشارالیه کاری انجام نداده و دزدیهای جدید در نزدیکی تربت واقع شده‌اند و از قرار مذکور شدن نفرین مسافرین گشته شده‌اند. حدود شرقی خراسان نیز از قرار راپورت مغشوش و بی نظم است. دسته بزرگی از سارقین که مرکب از کاکاریها و جمشیدیه‌ها و افغانی بوده‌اند در نزدیکی زورآباد در تحت ریاست منگول‌خان کاکاری اطراق کرده و مرتکب چندین فقره سرقت و غارت شده‌اند من جمله قافله بزرگی متعلق به اتباع روس که حمل قند به مشهد می‌کرده‌اند و دچار چپاول و تظاول آنها شده است. پرنس دابیچی ژنرال قنسول روس به سختی پروتست نموده و اولیاء امور ایران وعده کرده‌اند که راهزنها را قلع و قمع نمایند.

ظاهراً اختلاف و تقار زیادی بین حکام بعضی محال و نظمیه‌های آن نقاط

موجود است مخصوصاً در بجنورد و قوچان و سرخس و بیرجند - مداخله پلیس از قرار مذکور اثر بدی در حکومت و اداره امور حاصل کرده و به آن جهت در جمع آوری مالیات تعویق حاصل می شود. رئیس نظمیة مشہد معروف و متهم است بر اینکه پول کزاف به طور غیر مشروع تحصیل کرده و وجاہت و محبوبیتش در انظار رو به زوال است.

### اصفهان

واقعات عمده اینجا ورود سیصد نفر قشقایی به شهر و آمدن رسولان از طرف صولت الدوله نزد حکمران بوده است. مقصود صولت الدوله از مذاکرات با سردار اشجع ظاهراً این است که آن قسمت از بختیاری را که سردار معزی الیه جزو آن است همراه و مؤید خود نماید در صورتی که قسمت دیگر بختیاری که با آنها رقیباند ضیغم الدوله و اهتماماتش را برای جلب و ریاست ایل قشقایی تقویت و تأیید می نمایند.

صولت الدوله بدرجه ای شایق و خواهان این تقویت و همراهی است که حاضر شده است غرامت تمام سرقتهایی را که قشقایی در خاک اصفهان کرده برای نیل به مقصود بدهد.

بنا بر دلایلی که در دست است می توان قبول کرد که خیلی از این سرقتها را قشقایی نکرده بلکه در موارد عدیده بختیاریها و چهار محالیهها بنا بر اشاره امیر مخم که مایل به حکومت اصفهان و درصدد اخلال کار و شکست اعتبار سردار اشجع است مرتکب بوده اند. ضیغم الدوله از اواسط ماه ژویه در خاک بختیاری بوده و دراز ایل ماه اوت را پورت داده شد که در سی میلی جنوب غربی قمشه بین بختیاری و قشقایی جنگ واقع شده ولی صحت این خبر هنوز مصدق و محقق نشده. رسول صولت الدوله هم به حکمران و هم به انجمن ولایتی اظهار داشته که عقاید صولت الدوله مصالحت آمیز و صمیمانه خواهان مشروطه می باشد. رسول مذکور که معاون الممالک است ژنرال قنسولگری را دیدن نموده و سؤال نمود که چرا سفارت دولت اعلیحضرتی انگلستان تعیین صولت الدوله را به حکومت بنادر خلیج اعتراض و رد نمود. مستر گراهام در موقع بازدید تلگرافی از طرف شارژ دافر دولت فخمیه به مشارالیه تسلیم نمود که در آن اعمال صولت الدوله با اظهار دوستی که رسولش از طرف او می نماید مقایسه شده بود.

در تاریخ ۱۱ ژویه پست طهران را در نزدیکی امامزاده اتباع نایب حسین سرقت نمودند ولی غیر از این دیگر راه امن بوده است.

روی هم رفته در این اواخر بهبودی در وضع امنیت راههای عمده جنوبی حادث شده ولی در طریق یزد و سلطان آباد تا حدی عدم امنیت هنوز باقی است. ممکن است که این بهبودی جدید را در راهها نسبت به این داد که صولت الدوله مایل است خود را در نظر عامه و سفارت دولت اعلیحضرتی خوب جلوه دهد به

همین طریق عدم امنیتی را که فعلاً در بعضی راهها موجود است می‌شود تا درجه‌ای نسبت به بعضی دستجات قشقایی داد که از تحت اختیار و حکم صوات‌الدوله بیرون‌اند.

در تاریخ ۶ ماه اوت قشقایی‌ها صد نفر شتر از دم دروازه اصفهان به غارت برده‌اند.

#### یزد

(۱) سردار جنگ: هنوز برای به دست گرفتن زمام حکومت کرمان از یزد حرکت نکرده ولی صارم‌الممالک برادرزاده‌اش که از قرار مذکور قائم‌مقام او در یزد خواهد بود مدتی است که در این شهر است.

راه اصفهان بعضی اوقات ناامن بوده است. بانك شاهنشاهی جدیداً مبلغ زیادی پول نقره به یزد فرستاده است. این مسئله اسباب زحمت و اشکال اداره پست‌گردیده زیرا که در منازل اسب خیلی کم است.

مالیات تریاک حالیه جمع‌آوری می‌شود ولی سایر مالیات و عوارض جدیده هنوز در عهدۀ تعویق‌اند.

در نائین مالیات نمک و تریاک بعد از آنکه به طهران رجوع و مذاکرات گردید اینک اخذ و جمع می‌شود.

از قرار راپورت تجار یزدی در این ایام نظر به مسدود بودن طرق جنوبی به عمال خودشان در طهران سفارش مال‌التجاره عموماً و پارچه خصوصاً می‌دهند.

معلوم است این مسئله باعث نکث و تخفیف در محصولات و متاع محلی و تجارت ریسمان انگلیس و هند خواهد شد. بعلاوه تجار مزبور مایل‌اند که امتعه انگلیسی یا هندی که لازم دارند به توسط تجار هندوی کرمان سفارش بدهند و به این وسیله از مخاطره گم شدن آنها جلوگیری و احتراز نمایند.

رئیس عدلیه به طهران تلگرافاً [= تلگرافی] از مداخله حکومت و اجزایش در امور قضاییه شکایت نموده است.

(۲) در تاریخ ۱۴ ژویه [۲۳ تیر ۱۲۸۹؛ ۷ رجب ۱۳۲۸] نایب حسین کاشی با دویست و پنجاه نفر وارد اردستان شده دویست لیره از اهل قصبه مطالبه نمود همراهانش نیز از اهالی احشام و اسلحه فراوان به غارت بردند.

نایب‌الحکومه محل به محض شنیدن خبر آمدن نایب، به اصفهان فرار نمود و قراسورانهای راه به استعداد نایب حسین ملحق شدند. یک خانه را کاملاً غارت و یک قافله را سرقت نمودند. خود نایب به تلگرافخانه انگلیس رفته و راجع به امور اوضاع یزد تحقیقات نموده است. پس از آن یکی از پسرهایش به تلگرافخانه آمده و با وجود امتناع و عدم رضایت تلگرافچی یک قبضه تفنگ او را گرفته و در مقابل ۱۲ لیره به مشارالیه داده در صورتی که قیمت اصلی آنها ۱۷ لیره است.

در تاریخ ۱۷ نایب حسین شنید که از نطنز و اصفهان استعداد برعلیه [ = علیه ] او حرکت کرده. لهذا از اردستان به طرف زواره حرکت نمود.

کفیل ویس قنسولگری دولت اعلیحضرتی در یزد حکمران را از حرکات و اقدامات نایب آگاه ساخته است. لهذا سردار تلگرافی خطاب به نایب نوشته و او را از آمدن به خاک یزد تهدید و تخویف نموده ولی چون در تلگراف ذکر کرده بود که از حرکات او به توسط مأمورین تلگراف اطلاع حاصل کرده و نظر به اینکه قبلاً یکی از پسرهای نایب به مأمورین تلگراف گفته بوده است که چون شما راپورت حرکات و اقدامات ما را می‌دهید پدرم کینه و خصومتی حاصل کرده و از شما انتقام خواهد کشید لهذا آن تلگراف سردار به مقصد رسانده نشد.

از قرار معلوم نایب حسین با صولت‌الدوله مکاتبه و مرابطه داشته است.

در تاریخ ۲ اوت [ ۱۰ امرداد ۱۲۸۹؛ ۲۶ رجب ۱۳۲۸ ] نایب حسین با متعاقبانش در انارک بوده و در آنجا جنگی واقع شده که نتیجه آن مظفریت نایب حسین بوده ولی به واسطه نبودن علیق مجبور به عزیمت از آن مکان شده است.

از قرار مذکور استعدادی از بختیاری در تعاقب او می‌باشند.

#### کرمانشاه

۱) داورخان کلهر که در تساریخ ۷ ژوئیه [ ۲۶ تیر ۱۲۸۹؛ ۲۹ ج ۲ ۱۳۲۸ ] به هارون‌آباد عقب نشسته بود در تاریخ ۱۵ یا یک استعداد عظیمی مجدد به مامی دشت مراجعت نموده و لیکن بنا بر اظهار و تقریر خودش به قصد انقیاد و اطاعت حکومت آمده است.

مشارالیه در پنج میلی شهر اردو افراشته و روز بعد پس از آنکه اردوی حکومت را به توسط عدۀ کثیری سوار کاملاً احاطه نمود خود به شخصه به چادر حکومت رفت.

این ملاقات مختصر که در تحت تفنگهای حاضر جنگ سوارهای مخصوص داورخان صورت گرفت رضایت‌بخش نبود. داورخان تعظیم درسومات معموله تمکین و اطاعت را بجای آورده پس از آن حکمران از او سؤال نمود که چرا زودتر این اقدام را نکردی در جواب اظهار داشت که از ترس خیانت و بدقولی مبادرت نمی‌کردم. پس از آن داورخان مرخص شد.

کفیل قنسولگری اعلیحضرتی انگلستان و همکار روسی‌اش چون دیدند داورخان با این تبختر و بی‌اعتمادی نسبت به حکومت رفتار می‌نماید تصمیم عزم نمودند که موافق اجازه و تعلیماتی که از دو سفارتخانه‌های متبوعه‌شان قبلاً به آنها رسیده با حکومت مکاتبه نمایند.

حکمران در جواب از مراسله ارسال شده اظهار تشکر نموده و به آنها اطلاع داده است که داورخان سر اطاعت و انقیاد پیش نهاده و امید می‌رود که مسئله به

خوشی و مسالمت ختم و تسویه شود. پس از آن دو قنسول به داودخان که سابقاً از آنها استمداد کرده بود شرحی بدین مفاد نوشتند که اظهار و استمداد شما را رجوع به سفارتخانه‌های متبوعه خود نمودیم و پس از وصول جواب و تعلیمات از مفاد مشروح شما حکمران را استحضار داده و اظهار امید کرده‌ایم که اختلافات ما بین را بدون خونریزی دیگری رفع و تسویه نمایند. بالاخره قنسولها به داودخان نصیحت نمودند که شرایط پیشنهادیه حکومت را هر چه باشد قبول نماید و اظهار امیدواری کردند که مسئله به طور دوستانه و مسالمت حل و قطع شود.

۲) شهر کرمانشاه بجز واقعه تیر خوردن يك سرباز ایرانی بدست قزاق روسی که راپورتش تفصیلاً تقدیم شده دیگر اتفاق بزرگی رخ نداده و شهر آرام مانده لیکن شبها بعضی تیراندازی می‌شود و يك نفر مقتول و دو یا سه نفر پلیس مجروح شده‌اند.

در کرمانشاه و بروجرد وسندج احساسات اهالی بر علیه [ = علیه ] تأسیسات جدید ولایتی به شدت است.

در تاریخ ۱۵ ژوئیه ۱۹۱۰ [ ۲۴ تیر ۱۲۸۹؛ ۸ رجب ۱۳۲۸ ] بعضی اکراد را که میوه به شهر می‌آورده‌اند در شش فرسخی شهر کرمانشاه لخت کرده‌اند و يك نفر مقتول شده است.

#### همدان

در تاریخ ۱۱ ژوئیه ۱۹۱۰ [ ۲۰ تیر ۱۲۸۹؛ ۴ رجب ۱۳۲۸ ] برای پروتست بر ضد مالیات نمک و قپان و غیره بازارها بسته شد.

مالیات نمک مخصوصاً در این ولایت خیلی مضر و مورد تنفر است زیرا که در صنعت دباغی نمک بسیار استعمال می‌شود.

در تاریخ ۱۲ نمایش راجع به این مسئله بی‌اغتشاش و با نظم بوده ولی در تاریخ ۱۳ رجائه فراوانی نیز ملحق به نمایش‌دهندگان شدند.

درب و پنجره دکان يك دواساز آلمانی را به علت اینکه با وجود اخطار آنها بسته بود، جمعیت شکستند. بعلاوه اجماعی با صندوق‌دار بانک روس که يك نفر روسی است در کوچه تصادف نموده و او را زده‌اند. ظاهراً در موقعی که داخل جمعیت می‌رفته است با تعلیمی او را زده‌اند و ضربت آن قدر سخت نبوده که به او صدمه‌ای وارد بیاورد.

مستر سکموری که از اعضای بانک شاهنشاهی است نیز در کوچه به جمعیتی چوب بدست تصادف نموده ولی جمعیت به مشارالیه احترامات نموده و برای او راه باز کرده‌اند.

شخص روسی به طهران تلگراف نمود ولی بعد اطلاع داد که جمعیت از او معذرت خواسته‌اند.

در همان روز اجماع به مقر و مسکن حکومت محل رفته و فریاد می‌کردند که اجر و آهنگی را که سال گذشته برای بنای این عمارت داده‌ایم می‌خواهیم. پس از آن یک دو از ستون‌ها را خراب کرده و اساسیه [ = اثاث ] آن محل را بردند. یهودیها و آرامنه از خانه خود بیرون نمی‌آمدند و بازارها تا تاریخ ۱۳ بسته مانده بودند. در آن تاریخ خیر وفات سید عبدالله از طهران تلگرافاً [ = تلگرافی ] رسید و همچنین اجازه داده بودند که رسومات ترحیم به عمل آید. مراسم ترحیم خیلی بی‌صدا به عمل آمد و پس از آن بازارها باز شدند. ظاهراً این خبر اسباب اسکات شهر گردید و علماء در یک وحشت و دهشت زیادی نزد امیر افخم رفتند. در تاریخ نوزدهم سردار ناصر حکمران که چهار ماه گذشته را در باغ بیرون شهر به سر برده بود با دویست نفر وارد شهر گردید. ظهور و حضور حکمران اثرات خوب بخشیده و مالیاتها داده شد. امیر افخم که از متنفذین بزرگ ولایت است در انظار اکثر مردم متهم است بر اینکه محرک اغتشاشات بوده است. امنیت شهر خیلی کم است. نظمی که حقوق مرتب به آنها داده نمی‌شد در مدت اغتشاش به کلی معدوم شدند. در شهر هر شب دزدیها واقع می‌شود و یک پست را در یک فرسخی شهر زده‌اند.

### کرمان

این ایالت هنوز بی حاکم است و نصره‌السلطان نایب‌الحکومه را می‌گویند بی‌کفایت و مورد تنفر و مخالفت انجمن ولایتی و مردم است. در اواسط ماه ژویه انجمن ایالتی جلسات خود را به عنوان پروتست بر ضد اقدامات خودسرانه نایب‌الحکومه موقوف نمودند. از قرار راپورت بلوچستان ایران کاملاً از تحت قدرت و اختیار حکومت محلی کرمان بیرون است و ۳۰ نفر از بلوچهای سرحد در ۱۲ ژویه به قریه نعیم‌آباد که در نزدیکی فهرج است هجوم برده و ۷۰ نفر شتر و خیلی چیزهای دیگر را به غارت برده و یک ساربان را کشته‌اند. بهمچنین راپورت داده شده که گندل‌خان با ۱۰۰ نفر اسفندقه و محنی را یغما نمودند.

دسته دزدهای فارسی که در خلاصه ماهیانه گذشته مذکور گردیده، استعدادی مرکب از نظمی و سوار افشار به آنها حمله برده و پس از کشتن ۱۲ نفر از آنها و اسیر کردن ۱۱ نفرشان آنها را منہزم نمودند و به همچنین مقدار زیادی از غارتی که کرده بودند پس گرفته شد. اگرچه راه شیراز و کرمان فقط راهی است که بکلی مسدود است ولی کلیه راهها را امن نمی‌توان خواند.

## شیراز

از قرار معلوم وضع این طور است که فرمانفرمای ایالت بنا بر حکم و دستورالعمل سپهدار در موقعی که هنوز وزیر داخله بوده است نفوذ و اقتدار صولت‌الدوله را مجدداً در فارس مستقر نموده و چندین از حکومت‌های جزء را به بستگان مشارالیه تفویض نموده و به این جهات قسمت بزرگی از قشقاییمها که به طرف ضیغم‌الدوله رفته بودند مجدداً ملحق به صولت‌الدوله گردیدند.

ضیغم‌الدوله به سمت حکومت بهبهان معین گردید ولی به دولت اطلاع داد که نظر به اشکالات و زحماتی که ظفرالسلطنه در ایل برای او تولید کرده است نمی‌تواند این خدمت را به عهده گیرد.

ظفرالسلطنه از صولت‌الدوله تقاضا نموده است که ۸۰۰ نفر قشقاییم برای اجرای اوامر و مقاصد حکومتی به شیراز بفرستد و تا به حال متجاوز از ۱۰۰ نفر که در تحت فرمان راهزن معروفی هستند وارد شده‌اند.

ایالت رسماً به قنسول اعلیحضرتی اعلان نموده که از تاریخ ۸ ژوئیه حکومت کازرون مسئولیت راه بوشهر را که سیم تلگراف از آن می‌گذرد به عهده گرفته ولی نظر به اینکه معروف است که صولت‌الدوله با دایر بودن این راه مخالفند قوافل از به کار بردن آن استیحاخ دارند.

اهالی عموماً از اعاده قدرت صولت‌الدوله خیلی منزعج و متنفراند. ما بین قوامیها و ضیغم‌الدوله رابطه و مکاتبه است و سردار اسعد آنها را تشویق و تشجیع می‌نماید.

در تاریخ ۶ ژوئیه سردار ظفر از ضیغم‌الدوله تلگرافاً [= تلگرافی] خواهش نمود که با استعداد یا بدون استعداد به بختیاری برود. در خاتمه تلگراف مزبور سردار ظفر چنین گفته بود «این مسئله یقین قطعی است که صولت‌الدوله کاملاً مغلوب و مقهور خواهد شد.»

از قرار راپورت ضیغم‌الدوله به بختیاری رفته ولی با پنجاه سوار. راه فیروزآباد و بوشهر از قرار معلوم کاملاً امن است ولی راه اصفهان که چندین فقره دزدی شده من جمله چند پست را سرقت کرده‌اند ظاهراً طرف اعتماد کسی نیست.

در راه فیروزآباد نسبت به چهاروا دارها تعدیات زیاد می‌شود. در تاریخ ۹ اوت ۱۹۱۰ [۱۷ مرداد ۱۲۸۹؛ ۳ شعبان ۱۳۲۸] در طهران اعلان گردید که ظفرالسلطنه از حکومت فارس منفصل گردیده.

## خلیج فارس

## بوشهر

پست شیراز را در تاریخ ۲۶ ژون بین کازرون و میان‌کتل دزد زده است.



نمره - ۱۶۰

مراسله مستر مارلینگ به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)  
از قلمك ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ مرداد ۱۲۸۹؛ ۵ شعبان ۱۳۲۸]  
آقا

کابینه‌ای که تشکیل آن را در مراسله مورخه امروز خودم با کمال افتخار  
راپورت داده بودم چند روز بعد از تشکیل و معرفی شدن با حل مسئله مشکله خلع  
اسلحه فداییان و مجاهدین مقابل و مواجه گردید.

اقدام به این امر از اثر ارتکاب سه قتل پلتیکی در تاریخ اول شهر جاری که  
تفصیل آن را در تلگراف دوم ماه راپورت داده‌ام لزوم و ضرورت پیدا نمود. در  
اینکه این جنایات قطعاً پلتیکی بوده از این مسئله معلوم و ثابت می‌شود که یکی  
از مقتولین واقعه میرزا علی محمدخان همشیره‌زاده تقی‌زاده را قبلاً آگاه و اخطار  
کرده بودند لهذا مشارالیه چند ساعت قبل از این حادثه نزد وزیر امور خارجه  
رفته و اطلاع داده بوده است که او و دو نفر دیگر را تهدید به قتل نموده‌اند.  
میرزا علی محمدخان را يك دسته از مجاهدین در قهوه‌خانه‌ای که در یکی از  
پرجمعیت‌ترین کوچه‌های طهران است هدف تیر نموده‌اند و در این موقع که بی‌حیایا  
تیر می‌انداخته‌اند سه یا چهار نفر دیگر مجروح گردیده‌اند ولی هیچ اهماسی  
برای دستگیری مقصرین کرده نشد.

شب بعد بعضی مجاهدین به خانه وزیر امور خارجه رفته ولی خوشبختانه  
جناب ایشان منزل نبودند و الا بدون شك مقتول می‌شدند.

از ارتکاب این جنایات ظاهراً انتقام قتل سید عبدالله منظور است و همچو  
می‌نمود که آدم‌کش‌هایی که خود را هواخواه و پهلوانان فریقین مخالف محسوب  
می‌داشتند با موزرها در طهران جنگ واقعی پلتیکی بر پا خواهند نمود. اوضاع  
امور تحمل‌ناپذیر شد به طوری که دولت شروع به مذاکرات خلع اسلحه کلیه  
فداییان و مجاهدین که برای مملکت اسباب مخاطره و مخارج بودند نمود.

وزیر امور خارجه قصد و اراده دولت را در این موضوع در موقع ملاقات  
روز دوم شهر حال به وزیرمختار روس نقل نمود. من نیز داخل آن صحبت شدم.  
مسیو پاکلوفسکی [پاکلوسکی] این خیال و اقدام را صمیمانه تصدیق و تحسین  
نمود و مخصوصاً در دستگیری قاتلین سید عبدالله اصرار و تأکید بلیغ کرد. نظر  
به اینکه من با وزیرمختار روس قبلاً در این مبحث مذاکرات نموده و متفق شده  
بودیم در اینکه ما باید دولت را در این امر تشویق و تشجیع نماییم لهذا من نیز  
عقیده و نظریات خود را مانند وزیرمختار روس اظهار نمودم و لیکن من در  
اهمیت فوق‌العاده خلع اسلحه فداییان تأکید نمودم زیرا که پس از نیل به این  
مقصود و دستگیری قاتلین و تبعید مجاهدین [زندگی] اتباع خارجه بالنسبه سهل  
خواهد بود.

از آنچه نواب بیان می‌کرد ظاهر بود که وزراء از این مسئله در وحشت و اضطرابند که اگر مجاهدین مقاومت سختی در مقابل دولت بنمایند دولت روس آن را بهانه کرده و قشون خود را از قزوین وارد طهران بنماید. وزیرمختار روس جناب ایشان را اطمینان داد که دولت امپراطوری روس هرگز مایل نبوده و نیست که بهانه و عذری برای آوردن قشون به طهران تحصیل نماید و دولت ایران می‌تواند مطمئن باشد که اگر اقدامات و عملیات خلع اسلحه منجر به اغتشاش و بی‌نظمی شدید طولانی به درجه‌ای که موجب مخاطرهٔ خارجیها بشود، نگردید یک نفر سرباز هم از قزوین حرکت نخواهد نمود. از این اطمینان کامل وزیرمختار خاطر وزیر امور خارجه تسکین یافت. بعلاوه وزیر معظم در تشویش و التهاب بود که بفهمد که آیا به عقیدهٔ وزیرمختار روس در صورتی که دولت خدمت بریگاد قزاق را در تحت فرمان پرنس وادبولسکی ضرور دانسته و تقاضا نماید پرنس معزیه‌الیه موانع و اشکالاتی اظهار خواهد کرد یا خیر، مسیو پاکلوسکی طبیعتاً اظهار نمود که پرنس وادبولسکی در خدمت دولت ایران است و البته خدمت و صلاح بینی او و قوه‌ای که در تحت فرمان دارد در تحت حکم دولت خواهد بود. ولی اگر از او بخواهند که امور غیر ممکن انجام دهد یقین است که موانعی اظهار خواهد نمود ولی فقط به جهات و دلایل نظامی.

همان شب پلکنیک [پالکونیک] وادبولسکی برای حضور در جلسهٔ وزراء دعوت شده و از او تقاضا شد که مجاهدین را خلع اسلحه نماید. مشارالیه از این خدمت امتناع نمود و اظهار داشت که تجسس و تفحص در خانه‌ها برای گرفتن اسلحه موافق نقشه‌ای که دولت در نظر دارد بیش از ۴۲۰ الی ۴۵۰ نفر از بریگاد که فعلا در طهران حاضرند استعداد و قوه لازم خواهد داشت و من مسئولیت انجام این اقدام را فقط باکمک قوای نیم‌منظمی که دولت می‌تواند برای تقویت من بدهد نمی‌توانم به عهده بگیرم.

در حقیقت خیال اعمال قوای قهریه فوری در آن شب متروک گردید و روز بعد دولت اعلانی صادر و نشر نمود حاکی بر اینکه تمام اشخاصی که بی‌اجازه حمل سلاح می‌نمایند باید اسلحهٔ خود را در ظرف ۴۸ ساعت تسلیم نموده و در مقابل وجهی مأخوذدارند و اگر پس از انقضای این مهلت اسلحه را تسلیم نکردند یا قوای قهریه از آنها گرفته خواهد شد.

در آن روز بعدازظهر وزیر امور خارجه را ملاقات نموده و به ایشان گفتم که این رأی دولت به نظر من مقرون بعقل و صواب نیست زیرا که مجاهدین خیال خواهند کرد که دولت در تردید و تزلزل است و بعلاوه آنها فرصت خواهند یافت که یا مہیای مقاومت و مخالفت شده و یا آنکه لااقل تفنگهای خود را پنهان نمایند و ضمناً ممکن است مرتکب قتل دیگری بشوند و اگر هیچیک از این پیش بینی‌ها به حقیقت نپیوست این اعلان از حیث تسلیم اسلحه هیچ نتیجه‌ای حاصل نخواهد نمود.

مجاهدین از هر طبقه یکسان به تسلیم اسلحه که فقط وسیله اهمیت دادن به خودشان است مایل و راغب نخواهند بود و معتقد هم نیستند که دولت مهبیای اتخاذ اقصی درجه وسایل اجبار نسبت به آنها بشود و لیکن در این مسئله مجاهدین اشتباه کرده بودند زیرا که وزراء در به کار بردن خدمات گرانبهای پیرم کامیاب شده و همچنین از کمک و تقویت سردار اسعد و بختیاریها که سه چهار روز قبل اظهار می کردند که در خلع اسلحه مجاهدین کمک نخواهیم کرد اطمینان حاصل نمودند.

در بعد از ظهر تاریخ ۶ مجاهدین فرق مختلفه شروع به اجتماع در باغی که متصل به سفارت اعلیحضرتی است و معروف است به پارک اتابک نمودند. در اینجا ستارخان و چند نفر از پیروانش سکنی داشته و زندگی می کردند. قشون دولت و ژاندارمری به جلدی و چابکی تمام نقاط جنگی را در طبقات فوقانی و بالای بامهای خانه های مجاور و حصارهای شهر تصرف نمودند و لیکن برای خروج و دخول پارک منعی نبود و باقرخان که در مدافعه تبریز همکار رفیق ستارخان بوده از قرار معروف در صبح هفتم از آن محل خارج شده و مجدداً مراجعت نمود.

در مراسلات دیگر وقایعی را که در آن روز اتفاق افتاد راپورت می دهیم. در اینجا همین قدر ذکر کافی است که در ساعت ۹ و نیم بعد از ظهر مجاهدین تسلیم شده و ستارخان مجروح گردید.

بهر دلیل و نظری مظفریت دولت به حد کمال بوده ۳۰۰ نفر از مجاهدین را دستگیر و اسیر نموده است ولی وقتی که در روز دوشنبه معلوم گردید به عوض ۳۰۰ قبضه تفنگ که مجاهدین در باغ برده بودند فقط پنجاه یا شصت تفنگ به دست دولت آمد بعضی مردم می گفتند بختیاریها که هجوم آخرین را به پارک برده اند آنها را دزدیده اند و حقیقتاً این مسئله خیلی مهم و جالب دقت بوده که ایسن بختیاریها در خانه های مجاور و در خود باغ غارت چندانی نکردند بعلاوه بعدها معلوم شد که عقیده و اظهار اولیه دولت بر اینکه تفنگها را در دریاچه ریخته اند صحیح بوده و قریب ۳۰۰ تفنگ بالاخره از دریاچه پارک بیرون آورده اند.

از طرف دیگر دو نفر از معروف ترین رؤسای مجاهدین سردار محیی و ضرغام السلطنه بختیاری هنوز آزاد بوده اند. اولی از آن دو به خانه عموی خود به زرگنده رفته و نظر به اینکه آن محل در تحت قانون و اداره روس است از هر تعرض مصون است و دومی از آن دو یعنی (ضرغام السلطنه) در گوشه ای مخفی است و عده اسلحه هایی که مجاهدین و فداییها در شهر تسلیم کردند خیلی قلیل بوده.

اهالی طهران متحیرند که وضع را چه طریق بپذیرند. این مسئله را عموماً قبول دارند که دولت جرأت و کفایت و فعالیت بروز داده و در اضمحلال قدرت مجاهدین و فداییها خدمتی به عامه کردند ولی از طرف دیگر مابین مردم دلسوزی

زیادی برای ستارخان مشهور می‌شود. عقیده بر آن است که مشارالیه به این مقابله و مخالفت رأی نداشته و مقتضیات موقع او را مجبور نموده که در این اقدام پیش‌قدم باشد.

به همچنین بین مسلمانان عدم رضایتی مشهور است که چرا رشته امور به دست پیغم که يك نفر مسیحی است داده شده است و احساسات ضد ارمنه در بین اهالی محسوس است و بالاخره کسی اطمینان و اعتماد حقیقی به دولت ندارد. قسمتی از بازارها با وجود تهدیدات دولت بسته مانده‌اند و بعضی رؤسای علماء اهتمامی نمودند که در شاهزاده عبدالعظیم متحصن شوند و معزالسلطان سردار محیی با بیست و پنج نفر از مجاهدین دیگر از زرگنده بیرون رفته و در سفارت کبرای عثمانی متحصن شدند.

بنده ... چارلز مارلینگک

### نمره - ۱۶۱

مراسله مستر مارلینگک به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت) از قلمبهك ۱۱ اوت ۱۹۱۰ [۱۹ امرداد ۱۲۸۹: ۵ شعبان ۱۳۲۸] اقا

با کمال افتخار یادداشتی که آتاشه نظامی سفارت اعلیحضرتی نوشته و تفصیل جنگ واقع در هفتم شهر حال را راپورت داده لفاً تقدیم می‌دارم. صبح یکشنبه در موقعی که اوضاع ظاهراً روی به بدتری می‌رفت من به ماژر استکس تعلیمات دادم که به سفارتخانه شهر برود زیرا که به عقیده من مطلوب و صلاح بود که یکی از اعضای سفارت در شهر حاضر باشند و مشارالیه تا عصر دوشنبه در آنجا باقی بود.

بنده ... چارلز مارلینگک

### ملفوفه در نمره ۱۶۱

یادداشت ماژر استکس در خصوص جنگ طهران در تاریخ ۷ اوت ۱۹۱۰ [۱۵ امرداد ۱۲۸۹؛ ۱ شعبان ۱۳۲۸]

در تاریخ ۷ اوت يك ساعت بعد از ظهر قریب ۳۰۰ نفر که از اطاعت اعلان دولت ایران صادره در تاریخ ۴ و تسلیم اسلحه امتناع نموده‌اند در باغ معروف به پارک اتابك اجماع نمودند.

در پارک مزبور مدتی بود که ستارخان و اتباعش منزل داشتند و در صبح آن روز باقرخان ملحق به آنها گردید.

از این سیصد نفر عده زیادی از تابعین رؤساء دیگر بودند که بعضی از آنها مخصوصاً سردار محیی معزالسلطان مجاهدین را به تسلیم نکردن اسلحه ترغیب و تشجیع نموده و بالاخره وقتی که نوبت به جنگ و جدال کشید آنها را در آتش گذارده و خود کناره کرده‌اند.

بنابر دلایل صحیح می‌توان قبول کرد که ستارخان مخالف با جنگ بوده ولی مجاهدین او را مجبور به همراهی و مقاومت نموده‌اند.

مهلتهی که دولت در اولتیماتوم معین کرده بود به امید آنکه مسئله به مسالمت خاتمه پذیرد تا ظهر آن روز تمدید یافت و قبل از ظهر مذاکرات ما بین دولت و مجاهدین در جریان نبود ولی نتیجه نبخشید. ضمناً قشون دولت که برای مقابله و معامله با مجاهدین معین شده بودند حرکت و نمایشی نموده اطراف پارک را گرفته و بعضی از آنها سنگرهایی را که از آنجا می‌توانستند به پارک شلیک نمایند تصرف نمودند.

یضرم [یپرم] که با سردار بهادر متفقاً رئیس و فرمانده استعداد دولت بودند خود در اداره مرکزی بوده دو نفر از مأمورینش در عمارت سلطنتی که کابینه وزراء در آنجا منعقد بود منتظر تعلیمات بودند.

در ساعت ۲ بعد از ظهر شخصی که در عمارت دولتی استفسار نموده بود رسماً جواب و اطلاع یافته بود که اگر مجاهدین اسلحه خود را تسلیم نمایند در ظرف یک ساعت به اقدامات قهریه و یورش شروع خواهد شد.

اوضاع به همین قسم باقی بود تا دو ساعت بعد از ظهر در آن وقت یکی از مجاهدین خواست که از در بزرگ پارک بیرون آید ژاندارمی به او اظهار داشت که اگر می‌خواهی بروی باید اسلحه خود را تسلیم نمایی. مجاهد فوراً با موزر به طرف ژاندارم تیری انداخت ولی تیر به خطا رفت پس از آن یک بختیاری آن مجاهد را هدف تیر نموده و مشارالیه سخت مجروح گردید. به همان حال سعی و اهتمام نمود که دوباره خود را به پارک برساند. دو سه نفر از رفقاییش بیرون آمدند که او را داخل باغ بکشند. در این موقع شلیک و تیراندازی عمومی شروع شد. قشون دولت شروع به گرفتن سنگرها نمود که مہیای حمله مرتباً به پارک بشوند و درحین که این قسمت مشغول سنگرگیری بودند آن قسمت که قبلاً در سنگرها جا گرفته بودند مشغول تیرباری بی‌ترتیب به طرف مدافعین بودند.

پارک اتابک مربع مستطیلی است که طول آن ۵۰۰ یا ۶۰۰ یارد (یارد معادل ۱۴ گره است) و عرضش ۱۳۰ یارد. حصار شمالیش به قدر ضد ذرع از خاک ریز شمالی شهر که مشرف بر پارک است فاصله دارد اطراف پارک دیوار گلی است که ارتفاع آن ۵ یارد و قطرش ۲ پا می‌شود. سه دروازه دارد که یکی در گوشه جنوب شرقی و دیگری در زاویه جنوب غربی و دروازه ثالث در وسط دیوار جنوبی واقعند. موازی هر دیواری کوچه‌ای است که در طرف دیگر آن کوچه‌ها خانه‌ها و دیوارهای

باغاتی واقعند که ارتفاعشان به قدری است که به داخل پارک تسلط دارند. پارک که با آنسببه پر درخت است شامل دو عمارت است که یکی از آنها دارای ۲ طبقه است.

در ساعت ۴ ر ۴۵ دقیقه بعد از ظهر یورش جدی شروع گسردید ۲ عراده توپهای مسلسل کروز و ۲ عراده توپ ماکزیم به میدان مبارزت کشیده شد يك ماکزیم در گوشه شمال شرقی سفارت گذاشته شده بود که گاه به گاه به طرف دیوار جنوبی پارک تیر می انداخت و نی هرگز خود پارک را نشانه نمی کردند يك عراده توپ مسلسل چند گلوله به داخل پارک انداخت و ای توپهای صحرائی بیشتر سعی شان این بود که در دیوار پارک شکاف و مدخلی حادث نمایند.

مدافعین در اکثر موارد از مضغلهایی که در دیوار ساخته شده بود تیراندازی می کردند. در ساعت ۷ بعد از ظهر يك عراده توپ صحرائی به زاویه شمال شرقی سفارت کشیده شد و از آنجا به گوشه جنوب شرقی گلوله بارید.

مقارن ۸ ساعت بعد از ظهر در مجاوزت زاویه جنوب غربی پارک شکافی باز شد و دری را که در آن گوشه واقع بود آتش زدند. قریب يك ساعت بعد متهاجمین از نقطه ای داخل پارک شدند و در ساعت ۱۰ بعد از ظهر ستارخان و باقرخان با ۲۷۰ نفر مجاهد اسیر و دستگیر شدند. بعلاوه ۳۰ الی ۴۰ نفر از کسبه بازار که این حرکت مجاهدین را يك نمایش تصور کرده و به آنها در پارک ملحق شده بوده و پس از شروع به جنگ نتوانستند بیرون بیایند نیز دستگیر شدند.

اگر چه دولت متجاوز از ۶۰۰۰ نفر استعداد حاضر کرده بود و لیکن حقیقتاً کمتر از ۱۰۰۰ نفر در جنگ شرکت داشتند. تلفات دولت ۵ نفر مقتول و ۱۲ نفر مجروح بودند و از طرف مجاهدین ۱۵ نفر مقتول و بیست و هفت نفر مجروح شدند و از جمله مجروحین ستارخان بوده است. از ۱۰ جنازه مجاهدین که من در پارک مشاهده کردم ۸ نفر آنها تیر به سرشان خورده بود و گمان می کنم در پشت مضغله تیر خورده اند.

قشونی که در تحت اسلحه حاضر بودند از قرار ذیل است.

۸۰۰ نفر	پیاده نظام مرتب
۱۸۰ نفر	سوار نظام منظم
۳۰۰ نفر	ژاندارم
۲۵۰ نفر	پلیس
۵۰ نفر	قزاق
۴۰۰ نفر	بختیاری
۱۵۰ نفر	امنیه
۲۱۳۰ نفر	جمع کل

ماژور استکس آتاشه نظامی

## نمره - ۱۶۲

مراسله مستر اوپرن به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اوت)  
از پترزبورغ ۲۴ اوت ۱۹۱۰ [ ۱ شهریور ۱۲۸۹ : ۱۸ شعبان ۱۳۲۸ ]  
آقا

پس از وصول مراسله جنابعالی مورخه ۸ شهر حال یادداشتی تسلیم کفیل  
وزارت امور خارجه امپراطوری نمودم و سواد آن را اینک با کمال افتخار در سف  
می فرستم.

در یادداشت مزبور طرح و نقشه‌ای را که دولت اعلیحضرتی انگلستان برای  
تأمین راههای تجارتی جنوب ایران در تحت ملاحظه دارد تفصیل داده و پیشنهاد  
نمودم که تعلیمات به نمایندگان دولتین در طهران فرستاده شود که متفقا به دولت  
ایران در خصوص عدم امنیت کنونی این راهها مراسلات سخت نوشته و درقبولاندن  
نقشه فوق‌الذکر به دولت ایران اصرار نمایند.

به همچنین سواد یادداشتی را که در جواب از دولت امپراطوری روس امروز  
به من رسیده لذا تقدیم می‌دارم.

در این جواب مذکور است که به نمایندگی دولت روس تعلیمات فرستاده خواهد  
شد که با همکار انگلیسی خود اتفاق نموده و در خصوص عدم امنیت موجوده بعضی  
طریق به طوری که پیشنهاد شده به دولت ایران اظهارات مشترک بنمایند.  
بعلاوه در یادداشت جوابیه مندرج است که وزارت امور خارجه روس برای  
تشکیل یک قوه امنیه شبیه به بریگاد قزاق ایران که در تحت فرمان صاحب‌منصبان  
هندی باشد هیچ مانعی نمی‌بینند.

دیگر در یادداشت مذکور است که بنا بر اطلاعاتی که جدیداً واصل شده عقیده  
دولت روس بر آن است که مهلت دو ماه که دولت اعلیحضرتی انگلستان می‌خواهد  
به دولت ایران بدهد که خود در آن مدت اعاده انتظام را بنماید کافی نیست و بهتر  
خواهد بود که آن مهلت را به سه ماه تمدید نمایند خاصه در صورتی که عماقرب  
فرمانفرمای جدیدی که محتمل است شاهزاده عین‌الدوله باشد برای ایالت فارس  
معین خواهد گردید.

بنده... هیو اوپرن

## ملفوقه ۱ در نمره ۱۶۲

یادداشت مستر اوپرن به مسیو سازانو  
در ضمن یادداشت خود مورخه ۱۶ (۲۹) ژوئیه ۱۹۱۰ [ ۲۵ تیر ۱۲۹۸ : ۹ رجب

[ ۱۳۲۸ ]

سفارت کبرای اعلیحضرتی انگلستان به وزارت خارجه امپراطوری روس مفاد  
اطلاعاتی که از شارژ دافر انگلیسی مقیم طهران راجع به عدم امنیت طرق تجارتی  
ایران عموماً و راههای جنوبی خصوصاً رسیده بود شرح داده است.

سفارت کبرای مذکور پیشنهاد کرده است که به دو نماینده مقیم طبران تعلیمات فرستاده شود که در این موضوع به دولت ایران اظهارات سخت مشترك نمایند.

اینک مراسله‌ای از شارژ دافر دولت فخمیه رسیده و در خصوص تزیاید اغتشاشات راهپای جنوبی و نقاط دیگر ایران شرحی نگاشته است. در این مشروحاً مستر مارلینگت چنین ارائه طریق می‌نماید که به دولت ایران استحضار و اخطار داده شود که اگر تا آخر ماه سپتامبر اعاده انتظام در طرق جنوبی نشد دولت اعلیحضرتی انگلستان خود انجام این تکلیف را بعهده خواهند گرفت.

دولت اعلیحضرتی انگلستان اهمیت اعاده انتظام را کاملاً می‌شناسد ولی مسلك مداخله عملی را که مستر مارلینگت ارائه طریق می‌کند خالی از موانع نمی‌داند. لهذا دولت معظم چنین پیشنهاد می‌کند که به دولت ایران آگاهی داده شود که اگر تا آخر ماه سپتامبر در اعاده انتظام در راهپای تجارتي جنوبی موفق نشدند دولت اعلیحضرتی انگلستان مجبوراً اصرار خواهد نمود که قوه‌ای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر شبیه به بریگاد قزاق برای حفظ و حراست طرق تشکیل شود.

این قوه را ۸ یا ۱۰ نفر از صاحب منصبان قشون هند که برای همین مقصود حکومت هندوستان امانت خواهد داد تشکیل و تنظیم خواهند داد.

به سفارت کبرای دولت فخمیه تعلیمات داده شد که ترتیب آن نقشه را به استحضار دولت امپراطوری روس رسانده و پیشنهاد نماید که در موقعی که مراسله مشترك مذکوره در یادداشت به دولت ایران داده می‌شود نمایندگان دولتین در قبولاندن نقشه اظهاریه به دولت ایران اصرار نمایند.

پترزبورغ ۳۰ ژوئیه (۱۲ اوت ۱۹۱۰) [۷ اسرداد ۱۲۸۹: ۲۳ رجب ۱۳۲۸]

### ملفوقه ۲ در نمره ۱۶۲

یادداشت جوابیه مسیو سازانو به مستر او برن

وزارت خارجه امپراطوری پیشنهاداتی را که در یادداشت مورخه ۳۰ ژوئیه «۱۲ اوت» سفارت کبرای انگلیس مندرج بوده با نهایت دقت ملاحظه نمود و با این پیشنهاد موافق است که وزیر مختار روس مقیم طبران باید با همکار انگلیسی خود شرکت نموده و توجه جدی دولت ایران را نسبت به عدم امنیت بعضی طرق تجارتي ایران معطوف سازد.

وزارت خارجه امپراطوری نیز به پیشنهاد تشکیل قوه‌ای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر شبیه به بریگاد قزاق ایرانی که در تحت فرمان ۸ یا ۱۰ نفر صاحب‌منصب هندی بوده باشند و راهپای فوق‌الذکر را حفظ و حراست نمایند هیچ مانعی نمی‌بینند. بنابر اطلاعاتی که جدیداً رسیده است عقیده دولت امپراطوری این است که مهلت دو ماهه‌ای که دولت انگلیس می‌خواهد به دولت ایران بدهد که خود اعاده انتظام در راهپا نماید کافی نیست و بهتر خواهد بود که آن مدت را تمدید به



سه ماه نمایند خاصه در صورتی که فرمانفرمای جدیدی که شاید شاهزاده عین‌الدوله باشد عمأقرب برای ایالت فارس تعیین خواهد شد.

پترزبورغ ۹ اوت (۲۲) ۱۹۱۰ [۱۷ مرداد ۱۲۸۹: ۳ شعبان ۱۳۲۸]

### نمره - ۱۶۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری

قلمك ۳۱ اوت ۱۹۱۰ [۸ شهریور ۱۲۸۹: ۲۵ شعبان ۱۳۲۸]

خیالات صولت‌الدوله ظاهراً دولت ایران را قدری مشوش نموده چنانچه تلگراف تهدیدآمیزی از مشارالیه رسیده و در اصفهان گمان می‌کنند مشارالیه اراده حرکت به طرف طهران را دارد.

سردار اسعد حکم کرده است که ۲۰۰۰ بختیاری از برای کمک قوای محل و جلوگیری صولت‌الدوله به اصفهان بروند.

### نمره - ۱۶۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ سپتامبر)

قلمك ۳ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۱ شهریور ۱۲۸۹: ۲۸ شعبان ۱۳۲۸]

دیروز که مولود اعلیحضرت شاه بود در موقع پذیرایی نقاهت نایب‌السلطنه باعث تأثر و تألم تمام حضار گردید و ممکن است که به این زودیهها مسئله تعیین قائم‌مقام ایشان پیش آید.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

### نمره - ۱۶۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۵ سپتامبر)

قلمك ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۳ شهریور ۱۲۸۹: ۳۰ شعبان ۱۳۲۸]

با کمال توقیر راپورت می‌دهم که با وجود اظهارات و اشارات مکرر و سفارتخانه بر اینکه دولتین به مراسله مشترک مورخه ۲۰ مه خودشان جوابی نمی‌خواهند اینک جوابی از دولت ایران واصل گردیده مفاد جواب اینک:

دولت ایران ابدأ خیال دادن امتیازات را به خارجیان ندارد ولی دقت ما را معطوف به تعهدی که برای حفظ استقلال و حقوق محقق آزادی ایران کرده‌ایم معطوف می‌سازد و نظر ما را به اطمینانات مکرره دولتین راجع به عدم مداخله در امور ایران که آن دولت را امیدوار ساخته که برخلاف آن اصل اظهار و عنوانی از طرف ما نخواهد شد مراجعه می‌دهد،

نظر به اینکه این جواب رضایت‌بخش نبوده است من و مسیو پاکلوفسکی

[پاکلوسکی] آن را به دولت ایران پس فرستادیم.

به ترجمانها تعلیمات داده شد در همان موقع که مراسلات را پس می دهند شفاهاً خاطر نشان نمایند که در مقابل مراسله مشترک ما جوابی لازم نبوده زیرا که آن مراسله فقط حاوی اخطاری بوده که نتیجه عدم موافقت دولت ایران را با تقاضای مشروع دولتیین مجاورتین که پیوسته احساسات خیرخواهانه دوستانه نسبت به آن دولت می پروراند در آن ذکر نموده بودیم.

### نمره - ۱۶۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ سپتامبر)

قلمک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸]

در تعقیب تلگراف دیروز خودم اینک با کمال توقیر راپورت می دهم که دیروز ترجمانهای دو سفارت جوابی را که دولت ایران به مراسله مشترک مورخه ۲۰ مه داده بود به وزیر امور خارجه رد کردند؛ وزیر معظم اظهار نهایت تعجب نموده زیرا که قسمت اول جواب مزبور را رضایت بخش دانسته و به اهمیت آن جلب توجه نمودند. مستر چرچیل و مسیو بارونوفسکی [پارانوسکی] در جواب اظهار داشته بودند که اثر خوش قسمت اول به واسطه بقیه جواب ضایع و زایل شده است. بعلاوه به وزیر امور خارجه خاطر نشان کرده بودند که دولتیین به کرات و مرات نظر دولت ایران را متوجه و معطوف ساخته بودند که مراسله مزبور جوابی لازم ندارد.

### نمره - ۱۶۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۶ سپتامبر)

قلمک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸]

در تعقیب تلگراف ۶ سپتامبر خودم با کمال افتخار اطلاع می دهم که قسمت اول جوابی که سفارتین در مقابل مراسله مشترک ۲۰ مه از دولت ایران دریافت کرده اند چنین می گوید که دولت ایران هرگز به اقداماتی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه خود با دولتیین انگلیس و روس بوده باشد رأی و رضایت نخواهد داد.

نظر به اینکه به عقیده من اثر رضایت بخش این اظهار به واسطه اینکه در قسمتهای دیگر جواب که دولت ایران در تحت روپوش بدون شبهه حق آزادی برای خود منظور نموده که با اظهارات و تقاضای ما موافقت ننماید خنثی و لغو می شود به این دلیل من آن را تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع نداده بودم ولی اینک نظر به اهمیت مخصوصی که وزیر خارجه در حضور دو ترجمان سفارتین به این قسمت نسبت داده آن را تلگرافاً [= تلگرافی] به استحضار جنابعالی می رسانم.

## نمره - ۱۶۸

تلگراف سر جرج بارکلی (واصله ۲۹ سپتامبر)  
 طهران ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۶ مهر ۱۲۸۹ : ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 با کمال تأسف راپورت می‌دهم که نایب‌السلطنه امروز بعد از ظهر وفات  
 کردند.

## نمره - ۱۶۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ سپتامبر)  
 طهران ۲۴ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۱ مهر ۱۲۸۹ : ۱۹ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 ناصرالملک دیروز به مقام نیابت سلطنت انتخاب گردید.

## نمره - ۱۷۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۰)  
 قلمک ۲۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۲ مهر ۱۲۸۹ : ۲۰ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 وزیرمختار روس اطلاع ذیل را به من می‌دهد:  
 حکومت اردبیل که ۱۰۰۰ نفر استعداد برای خلع اسلحه شاهسون تجمیز نموده  
 بود در ۵ میلی اردبیل از شاهسون شکست خوردند یک قسمت از استعدادش به  
 شاهسون ملحق شده و یک قسمت اسیر و دستگیر گردیدند و معدودی با خودحکمران  
 به اردبیل فرار نموده و تمام اسلحه و قورخانه را به دست یاغیان گذاردند.  
 وزیرمختار مشارالیه اظهار داشته که اگر به ملاحظه قشون روس نمی‌بود  
 شاهسون یک مرتبه دیگر شهر را غارت می‌کردند و هیچ چیز نمی‌توانست آنها را  
 منع و جلوگیری نماید.  
 فعلا شاهسون مشغول غارت املاک اتباع روس در قراجه‌داغ و سایر نقاط  
 شمال می‌باشند.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

## نمره - ۱۷۱

سراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)  
 قلمک ۵ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۱۳ شهریور ۱۲۸۹ : ۳۰ شعبان ۱۳۲۸ ]  
 آقا  
 از تاریخ ۱۸ ماه گذشته که من از مرخصی مراجعت کردم در اوضاع پلتیکی  
 طهران چیزی که قابل ذکر مخصوص باشد واقع نشده.  
 وزرای جدید فعلا از قرار معلوم به اتحاد و اتفاق مشغول کارند. مجلس نیز

مشغول مباحثه استخدام معاونین خارجه است. در ولایات دقت نظر متوجه و مرکوز اقدامات صولت الدوله رئیس قشقایی است. مشارالیه چند هفته است که با بعضی از خوانین بختیاری و انجمن ولایتی اصفهان مشغول مذاکرات است و ظاهراً مقصود و منظورش این است که از ابقای خود در مقام ایلخانی‌گری اطمینان حاصل نماید. رفتار او نسبت به دولت جدیداً باعث تشویش و اضطراب شده و چنانچه در تلگراف ۳۱ اوت اطلاع دادم چند روز قبل تلگراف تهدیدآمیزی به دولت فرستاده و در آن اعلام نموده که بنا بر احکاماتی که از علماء نجف به او رسیده عمأقرب برای انتقام قتل سید عبدالله به طرف طهران حرکت خواهند نمود. این تهدید این قدر جدی به نظر می‌آمد که سردار اسعد حکم نمود که ۲۰۰۰ بختیاری از چهارمجال به اصفهان رهسپار گردند.

به واسطه اختلافات و نفاق بین بختیاری اوضاع مشکل و پیچیده شده است.

در فارس هیچ بهبودی حاصل نشده که راپورت بدهم.

راه فیروزآباد بین بوشهر و شیراز مفتوح است ولی راه پستی بین دو نقطه مزبور و همچنین بین شیراز و اصفهان مسدود است.

شاهزاده عین الدوله به سمت فرمانفرمایی فارس معین شدند ولی هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند.

بنده... ج. بارکلی

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۱۷۲

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)

قلهک ۶ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۴ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸]

آقا

راجع به تلگراف دیروز من اینک افتخار دارم که ترجمه جواب دولت ایران را که به مراسله مشترک سفارتین مورخه ۲۰ مه در خصوص مسلک و رفتار دولتین راجع به امتیازاتی که در ایران ممکن است مخالف مصالح و منافع نظامی و پلیتیکی آنها باشد داده‌اند لفاً ایفاد می‌دارم.

این مراسله فارسی در صورتی که ابتداً به ما بطور اعم اطمینان می‌دهد که دولت ایران هیچ اقدامی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه بوده باشد نخواهد نمود و اظهار می‌دارد که فعلاً هیچ خیال اعطای آن قبیل امتیازاتی که در مراسله ما ذکر شده به خارجیها ندارند ولی حسن اثر حادثه از این قسمت و اطمینانات را به واسطه قسمتهای بعد که برای خود با یک پرده‌پوشی ولی بدون شبهه حق آزادی محفوظ و منظور می‌دارند که موافق میل و صلاح خود در این موضوع عمل کنند لغو و ضایع می‌نمایند.

من و همکار روسم صحیح و صلاح دانستیم که آن جواب را به وزیر امور خارجه

رد نماییم زیرا که چنانچه خاطر جنابعالی مستحضر است بارها به ایشان اطلاع دادیم که سراسله مشترك ما را بلاجواب بگذارد و بعلاوه خود مشارالیه به مستر مارلینگك وعده کرده بود که بدون مذاکره و مباحثه با نمایندگان سفارتین جوابی ندهد.

لپذا هر دو مراسله را که متحدانمال به عنوان دو سفارت دیروز بعد از ظهر پس فرستادیم دو ترجمان که آن مراسلات را به ضمیمه يك مراسله ای که سواد آن را در جوف می فرستم به حسینقلی خان تسلیم نمودند در همان وقت شفاهاً اظهار داشتند که سراسله مشترك سفارتین مورخه ۷ (۲۰ مه) جوابی لازم نداشت زیرا که آن مراسله فقط حاوی اخطاری بود براینکه از اثر عدم موافقت دولت ایران با تقاضای مشروع دولتین که همیشه حسیات خیرخواهانه نسبت به آن دولت می پروراند نتایج سوء حاصل خواهد شد.

وزیر امور خارجه که از عودت مراسلات تعجب می نمود اظهار داشت که عبارت مراسله کاملاً رضایت بخش است و مخصوصاً به قسمتی که نقل می کند عزم دولت ایران را براینکه هیچ اقدامی برخلاف دوستی و مناسبات حسنه موجوده بین دولت ایران و دولتین نخواهد نمود و همچنین اینکه فعلاً هیچ خیال دادن این قبیل امتیازات منظوره را به خارجیان ندارند اهمیت گذارد.

ترجمانهای سفارتین نظر وزیر امور خارجه را مطوف به لفظ «فعلاً» که در مراسله مذکور است نموده و همچنین به آن قسمتی که حکایت می کند که دولت ایران مجبور است استقلال و حقوق آزادی خود را حفظ و صیانت نماید خاطر وزیر را متوجه نموده و اظهار داشتند که با مقتضیات موجوده این قسمتهای اخیر مراسله ظاهراً سیاق و مفاد مراسله را که ممکن بود رضایت بخش باشد تغییر داده اند.

وزیر امور خارجه مسئله را با يك تفصیلی مباحثه و استدلال می نمودند ولی ترجمانها پس از آنکه خاطر ایشان را یادآور شدند که سفارتین مکرر به ایشان اصرار و تأکید کرده بودند که هیچ جوابی برای مراسله مشتركه ۷ مه لازم نیست مراسلات را نزد جناب ایشان گذارده بیرون آمدند.

بنده ... ج. بارکلی

### ملفوفه ۱ در نمره ۱۷۲

مراسله حسینقلی خان به سر جرج بارکلی

۳ سپتامبر ۱۹۱۰ (مطابق ۲۸ شعبان ۱۳۲۸) [۱۱ شهریور ۱۲۸۹]

جناب جلالت مآب اجلا در جواب مراسله مورخه دهم جمادی الاول ۱۳۲۸ مطابق ۷ (۲۰) ماه مه مسیحی ۱۹۱۰ که به امضای مستر مارلینگك شارژ دافر دولت فخریه انگلیس و جناب جلالت مآب اجل وزیر مختار روس رسیده و شامل توضیحات راجع به قسمت اخیر مراسله ۲۶ ربیع الاول ۱۳۲۸ (۷ آوریل ۱۹۱۰) بوده با کمال توقیر اظهار می دارم که دولت متبوعه دوستان پیوسته مناسبات دوستانه و وداد صمیمانه که

خوشبختانه از قدیم بین دولت ایران و دولت انگلیس موجود بوده محفوظ و مرصوص داشته و آن مناسبات را به منتهی درجه محترم و مفتنم می‌شمارد. و این مسئله واضح است که ما در هیچ موردی به اقداماتی که مخالف با نزاکت و دوستی و مناسبات حسنه مابین بوده باشد رأی و رضایت نخواهیم داد.

اگر چه دولت ایران فعلاً ابدأ خیال ندارند که از آن قبیل امتیازات مذکوره در مراسله فوق‌الذکر به خارجیان بدهند و بلکه ترجیح می‌دهد آنها را برای خود ذخیره نماید مع‌هذا خاطر آن جناب جلالت‌مآب را معطوف به مسئله ذیل می‌نماید:

دولت ایران مجبور است که استقلال و حقوق محقق آزادی را که این مملکت داراست حفظ و حراست نماید.

نظر به اظهار و تعهداتی که پیوسته دولت اعلیحضرتی انگلستان منصفانه و عادلانه در خصوص عدم مداخله در امور ایران و رعایت استقلال تامه به مملکت نموده است نهایت اعتماد را داریم که این نظر و مسلک دولت فخیمه همیشه بخوبی مرعی و مضبوط بوده و هیچ اظهار و عنوانی که مخالف با این اصل و عقیده باشد نخواهد نمود.

بنده ... حسینقلی

#### ملفوقه ۲ در نمره ۱۷۲

مراسله مشتركه که به حسینقلی‌خان فرستاده شده  
چهارم سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۲ شهریور ۱۲۸۹: ۲۹ شعبان ۱۳۲۸]  
جناب وزیر

ما امضاکنندگان ذیل وزراء مختار انگلیس و روس افتخار داریم که بر طبق تعلیمات دولتی متبوعتین خودمان مراسلات متحدالمالی را که در تاریخ ۲۸ شعبان ۱۳۲۸ به ما نوشته بودید عیناً لفاً عودت دهیم.

بنده ..... جرج بارکلی  
پاکلوسکی گزیل [گزل]

#### نمره - ۱۷۳

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ سپتامبر)  
قلمبهك ۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [۱۷ شهریور ۱۲۸۹: ۴ رمضان ۱۳۲۸]  
آقا

خلاصه معمولی اتفاقات ایران واقعه در چهار هفته گذشته را با کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم.

بنده ... جرج بارکلی

## ملفوفه در نمره ۱۷۳

خلاصه ماهیانه وقایع ایران در چهار هفته گذشته لغایت ۹ سپتامبر ۱۹۱۰  
[۱۷ شهریور ۱۲۸۹؛ ۴ رمضان ۱۳۲۸]

## طهران

در جلسه یازدهم ماه اوت پیشنهاد هیئت وزراء راجع به استخدام مستخدمین خارجه برای وزارتخانه‌های مختلفه در مجلس قرائت شد پیشنهاد از قرار ذیل بود:

۳	اداره خزانه
۲	اداره مالیات مستقیم
۲	اداره کنترل

۶ نفر	برای وزارت داخله موافق تقسیم ذیل
۱ نفر ایتالیایی	مستشار وزارتخانه مرکزی و ولایات
۳ نفر ایتالیایی	صاحب منصب ژاندارمری
۲ نفر سوئدی	صاحب منصب نظمیّه

۲ نفر	برای وزارت عدلیه موافق تقسیم [ذیل]
۱ فرانسوی	مشاور حقوق
۱ نفر مصری	مدیر اداری عدلیه

چنین پیشنهاد گردید که این ۱۵ نفر مستخدمین برای سه سال اجیر و مستخدم شوند. پس از مباحثه مختصری مسئله راجع به کمسیون گردید.

در تاریخ ۱۶ ماه اوت کمیسیونی که برای تحقیق و رسیدگی محاسبات وکیل‌الرعا یا انتخاب شده بود راپورت خود را که نتیجه آن تحقیقات بود تقدیم مجلس نمود. مفاد راپورت این بود که در محاسبات مزبور باقی معتدابهی یافته شده که وکیل‌الرعا یا باید در آن خصوص توضیحات دیگر بدهد. این مسئله از آن تاریخ دیگر مطرح نشده است.

در تاریخ ۱۸ ماه گذشته مراسله‌ای از وزیر مالیه در مجلس قرائت شد و به مجلس برای تصویب پیشنهاد نموده بود که به ستارخان ماهی ۴۰۰ تومان و به باقرخان ۳۰۰ تومان مقررآ داده شود و بعلاوه ۲۰۰۰ تومان نقداً به ستارخان و ۱۵۰۰ تومان به باقرخان دولت اعطاء نماید.

مراسله دیگری از همان وزارتخانه خوانده شد که از مجلس تقاضا نموده بود تصویب نمایند به ورثه آقا سید عبدالله مجتهد مقتول ماهی ۵۰۰ تومان وظیفه داده شود. هر دو این پیشنهادها راجع به کمیسیون گردیدند.

در جلسات ۲۰ و ۲۳ ماه اوت [۲۸ و ۳۱ امرداد ۱۲۸۹؛ ۱۴ و ۱۷ شعبان ۱۳۲۸] مرامنامه وزراء مطرح مباحثه گردید و بالاخره مجلس به اکثریت

زیادی آن مرامنامه را قبول نمود.

در تاریخ ۲۵ اوت [۲ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱۹ شعبان ۱۳۲۸] کمیسیونسی انتخاب شد که پروگرامی برای مجلس بنویسند. رئیس مجلس اظهار داشت که این پروگرام حاوی فهرستی از مسائل مهمه خواهد بود که برای مباحثه و رأی به ترتیب پیشنهاد مجلس خواهند گردید.

این اقدام نظر به این مسئله کرده شد که وقت زیادی از مجلس صرف مسائل بی‌اهمیت می‌شد. پس از آن تلگرافی از سردار ظفر بختیاری قرائت شد حاکی به این که بر طبق فرمان مجلس مشارالیه اردویی را که برای حمله به صولت‌الدوله تجمیز نموده بود متفرق کرده است.

در تاریخ ۳ سپتامبر [۱۱ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۸ شعبان ۱۳۲۸] یکی از وکلاء وزیرداخله را در خصوص راپورتهای مشهوره راجع به اقدامات امیر مفخم بختیاری و قصد حرکت صولت‌الدوله به طهران استیضاح نمود.

شاهزاده فرمانفرما در جواب منکر صحت راپورتهای مزبوره گردید.

در تاریخ ۶ سپتامبر [۱۶ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱ رمضان ۱۳۲۸] کمیسیونسی که مأمور رسیدگی و شور پروگرام راجع به استخدام مستخدمین خارجه شده بود راپورت خود را تقدیم مجلس نمود. کمیسیون مزبور توصیه نموده بود که بعوض به کار بردن فرانسوی برای وزارت مالیه از سوی استخدام نمایند. در ضمن مباحثه شاهزاده ملا یعنی حاج شیخ‌الرئیس پیشنهاد نمود که معاونین مالیه از اهل دول متحده امریکا مستخدم شوند. شاهزاده اسدالله میرزا که از طرف دولت ناطق بود در کمال سختی در استخدام فرانسویها تأکید نمود و اظهار داشت که صلاحیت و مطبوعیت استخدام فرانسوی به دلایلی است که نمی‌تواند علنی اظهار و اقامه نماید ولی مسئله واضح بود که اکثریت بزرگی به استخدام امریکاییها مساعد و موافقاند. مسئله مجدداً راجع به کمیسیون گردید.

شاهزاده اسدالله میرزا در خصوص لفظ مستخدم چنین توضیح داد که علت استعمال این لفظ عوض مستشاران این است که ممکن است لازم بشود که وظایف آن مستخدمین خارجه را محدود و محصور به مشاوره نمایند بلکه به بعضی از آنها اختیارات اجرائیه تفویض دارند.

#### عید مولود شاه

در تاریخ ۲ سپتامبر [۱۰ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۷ شعبان ۱۳۲۸] مراسم جشن مولود به طریق معمول به عمل آمد. هیئت مأمورین خارجه شرفیاب حضور شاه و نایب‌السلطنه شدند. وزیرمختار دولت اعلیحضرتی موقع را مغتنم شمرده مکتوب اعلیحضرت سلطان انگلیس را که حاکی بر خبر تأسفاتی و وفات پدر تاجدارشان بود و همچنین اعتبارنامه جدید مأموریت خود را تسلیم و تقدیم اعلیحضرت همایون شاه نمود.



## تبریز

تقی‌زاده که از طهران عزیمت نموده در تاریخ ۹ اوت [۱۷ مرداد ۱۲۸۹: ۳ شعبان ۱۳۲۸] وارد تبریز شد. اوضاع این شهر به حالت عادی است.

## مشهد

رکن‌الدوله با اینکه کسی برای نشستن جای ایشان وارد نشده در ۲۳ ژوئیه [۳ تیر: ۱۶ رجب] از مشهد حرکت نمودند. ایالت خراسان با وجودی که بی حکمران است ساکت و بی‌اغتشاش مانده. راهها به استثنای حدود افغان و مجاورت تربت که چندین فقره سرقت در آنها واقع شده مأمون بوده‌اند. در ترتیب اداره ایالت هیچ علامت بهبودی مشهود نیست و بین ادارات جزو اختلافات و نقار زیاد موجود است. خبر قتل آقا سید عبدالله تشویش و اضطراب مختصری در اینجا حادث کرد ولی هیچ اتفاق ناگواری نیفتاد.

## اصفهان

(۱) در تاریخ ۱۹ اوت سیصد الی چهارصد نفر بختیاری در تحت فرمان اسکندرخان پسر سردار ظفر از اصفهان حرکت کرده و از راه یزد به کرمان می‌روند.  
(۲) حکمران کماکان تسلیم و مقهور علماء است و در اداره ولایتی هیچ بهبودی معلوم نیست. وضع راهها ظاهراً خیلی تغییر پذیر است چنانچه گاهی قوافل بدون تعرض و آسیبی عبور می‌نمایند و در مواقع دیگر وقوع سرقتهای فراوان راپورت داده می‌شود. این دزدیها را نسبت به دستجات قشقایی می‌دهند و در بعضی موارد غارت‌زدگان بختیاری هستند.

در طول ماه اوت بین خوانین مختلفه بختیاری و صولت‌الدوله و علمای اصفهان مذاکرات مبادله می‌شد. مطرح مذاکره از قرار معلوم مسئله ایلخانگیری قشقایی است. صولت‌الدوله ایلخانی فعلیه همراهی و معاضدت امیر مفخم و سردار اشجع و علمای اصفهان را برای خود تحصیل و فراهم نموده. از قرار مذکور صولت‌الدوله و علمای مزبور بر طبق تعلیمات واصله از سپهدار مرسوله از طهران عمل می‌نمایند.

ضیغم‌الدوله را که نیز داوطلب و مدعی ایلخانگیری است سردار ظفر و سایر رؤسای بختیاری که در تحت حکم سردار اسعدند تأیید و حمایت می‌نمایند. مکرر چنین مشهور شد که بین فریقین جنگ واقع شد ولی صحت هیچیک از شهرتها معلوم نگردید.

دولت و رؤسای بختیاری که در طهران اند کوشش نمودند که از وقوع منازعه

و مجادله جلوگیری نمایند. صولت الدوله از نزدیکی قمشه حرکت نموده و به آباده رفت.

چنین معلوم است که امیر مفخم و سایر خوانین بختیاری که همراه و مؤید صولت الدوله اند به طهران احضار خواهند شد و سردار محتشم برای حفظ انتظام بختیاری به اصفهان خواهد رفت. بنابر راپورتی که مذکور شد بین جانبین صلح و آشتی واقع شده ولی معلوم شد که راپورت صحیح نبوده.

#### سلطان آباد

در تاریخ ۲۷ اوت جنگ سختی بین حکمران والوار واقع شده و از قرار مذکور حکمران در موقع و وضع خطرناکی است.

#### یزد

مقارن اواخر ژوئیه در این شهر مشهور گردید که شاه مخلوع و ظل السلطان با ۱۹۰۰۰ جمعیت وارد رشت شده اند. این قبیل شهرتها در اهالی شریر دهات حدود ولایت اثرات خطرناک حادث می نمایند.

سردار جنگ با وجودی که اعلان نموده که زمام حکومت را به دست برادرزاده خویش داده اند هنوز خودشان در یزداند و هیچ علامتی از حرکتشان به کرمان معلوم نیست.

مدیرالدوله که به سمت نمایندگی سردار ظفر به کرمان می رود در تاریخ ۲۶ اوت با ۳۵۰ نفر سوار بختیاری از انار [انارک؟] گذشته. راههای اطراف نائین از قرار راپورت ناامن اند ولی سایر راههای یزد ظاهراً به وضع معمول و عادی است. نایب حسین در آخر ماه اوت هنوز در انارک بوده انتظام الملک نیز ملحق به او شده. قشون دولت که معهود است آنها را تعاقب نمایند هنوز در نائین اند.

#### کرمانشاه

شهر و اطراف خالی از اغتشاش بوده از قرار راپورت نظمیه شهر خیلی طرف نفرت عموم است و مقارن آخر ژوئیه اهالی نمایش بی نظمی برضد آن اداره نمودند. حکومت به محض اصفای بروز اغتشاش به شهر آمده و رئیس نظمیه را علناً مورد شتم و بدگویی نمودند. مشارالیه از خدمت استعفاء داد لکن بعدها بنا بر حکم طهران مجدداً مشغول کار خود گردید و حکمران از مشارالیه عذرخواهی نمود.

از قرار راپورت داودخان در خصوص دادن مالیات اشکال تراشی می نماید. وضع راهها بطور عادی است.

#### همدان

(۱) در ۲۶ ژوئیه يك نفر از تبعه افغان در این شهر مقتول شد. کفیل قنسوگری

دولت فخریه متیم کرمانشاه به حکومت همدان در این موضوع اظهارات نموده قاتل مزبور دستگیر شده ولی هنوز به معرض استنطاق نیامده.

(۲) پس از تشکیل کابینه جدید از طهران حکم تلگرافی به حکومت رسید که اشرا و مقصدین را که سلب آسایش از اهالی می نمایند گرفته و تنبیه و تبعید نمایند. تلگراف مزبور طبع و نشر شد و مردم را تا حدی متوحش و مرعوب نمود. شهرت‌های اضطراب‌انگیز انقلاب آمیز در افواه است. موافق ذیل:

نظر عمرایی رئیس الوار که به سالارالدوله در طغیان و یاغیگری کمک و معاضدت نمود تا به نزدیکی بروجرد رسیده. شاه مخلوع عن قریب وارد می شود. امیر افخم حکم کرده است که ۲۶ قریه ملکیتی خودش را که بین همدان و قزوین اند هر کدام معادل ۱۰۰۰۰ پوند تقریباً (۱۶۶۶) آرد تهیه نمایند که در یکی از قراء بزرگ سردرود جمع و انبار شوند و تصور می رود که این تمپیه‌ها برای يك لشکرکشی است.

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

انجمن ایالتی در اواخر ژویه بنا بر تعلیمات طهران شروع به اجلاس نمودند. علمای محل اهتمام نمودند که از گرفتن بعضی عوارض که جدیداً انجمن ایالتی تصویب نموده جداً مانع شوند جمعی به مباشرترین جمع‌آوری آن عوارض هجوم برده و آنها را از مقر خودشان بیرون کردند لکن نظمی غایبه را خاموش نموده و آنها را مجدداً سر کار خودشان مستقر نمود. معاون حکومت خیلی طرف بی میلی اهالی است و لکن اخیراً نسبت به قنصل دولت اعلیحضرتی خیلی ادب و تواضع بروز داده و اظهار میل نموده است که تمام دعاوی اتباع انگلیس را تسویه نماید. به استثنای بلوچستان که معرض اغتشاش و بی نظمی است کلیه ایالت ساکت و آرام بوده است.

در تاریخ ۳۰ اوت [۷ شهریور ۱۲۸۹؛ ۲۴ شعبان ۱۳۲۸] استعداد عظیمی از بلوچهای سرحد و رنگان در تحت ریاست جنپند به فهرج و سایر قراء ورود کرده و در کریم آباد حاکم بم را محاصره کرده اند. از قرار مذکور قوای حکمران ۱۵ نفر از متهاجمین را کشته اند و آنها روز بعد عدّه زیادی از احشام و دوازه اسیر با خود برداشته و رفته اند و از طرف نرماشیرینها دو نفر مقتول شدند.

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

کتابخانه مجلس شورای ملی - تهران

ظفرالسلطنه فرمانفرمای منفصل فارس در تاریخ ۱۷ اوت به طرف طهران حرکت کردند.

قوام‌الملک به کفالت حکمرانی معین شده اند. نظم کامل در شهر محفوظ است.

قوافل راه فیروزآباد را به بوشهر و راه سرحد را به اصفهان به کار می‌برند. هر دو این راه در دست و اختیار قشقاییها است که نسبت به چاروادارها تعدی می‌کنند.

از طرق پستی شمال و جنوب شهر قشقاییها سلب امنیت می‌نمایند زیرا که می‌خواهند راههای خودشان را به کار بیندازند. عین‌الدوله به فرمانفرمایی ایالت فارس معین شده‌اند و اهالی با يك توجهی منتظر ورودشان هستند ولی هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند.

بنابر اینکه فرمانفرمای سابق یعنی ظفرالسلطنه کاملاً تسلیم صولت‌الدوله شده بودند افکار عمومی وضع را تاریک می‌بیند. صولت‌الدوله فعلاً در آباده است. عقیده عمومی در شیراز این است که اگر به يك حکمران کافی لایقی اختیارات تامه داده شود به وسیله قوایی که فعلاً در شیراز است و با عاقلانه به کار بردن، ضیفم‌الدوله می‌تواند اعاده انتظام را به خوبی بنماید. ایلات عمأقرب از بیلاق به محل قشلاق حرکت خواهند نمود و با نبودن يك حاکم قادری مخاطره وقوع اغتشاش زیاد است.

#### خلیج فارس

##### بوشهر

در آخر ماه ژویه راه کازرون به شیراز هنوز مسدود بوده ولی راه فیروزآباد مفتوح و مأمون بوده است. راپورتهای واصله از بندرعباس و لنگه حاکی بر اینند که راههای آن بنادر هنوز مغشوش و بی‌نظم‌اند.

##### اهواز

در تمام ماه ژویه شوشتر درحالت اغتشاش و منازعه بوده و بازارها بسته بودند سبب اغتشاش معلوم نیست. شیخ خزعل رؤساء و پیشوایان فریقین متخاصمین را احضار نموده و تصمیم خود را اظهار داشت که به این اغتشاشات کثیرالوقوع خاتمه دهد ولو آنکه لازم شود تمام قوای خود را به کار برد. چهارمات دیگر سیر و ذهاب و ایاب به شوشتر نمی‌نمایند و راه شوشتر دزفول نماند بوده.

## نمره - ۱۷۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۸ سپتامبر)  
 طهران ۲۸ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۵ شهریور ۱۲۸۹: ۲۲ شعبان ۱۳۲۸ ]  
 راجع به تلگراف من مورخه ۲۴ سپتامبر - ناصرالملک قبولی مقام نیابت سلطنت  
 را به مجلس تلگرافاً [= تلگرافی] اطلاع داده‌اند.

## نمره - ۱۷۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ سپتامبر)  
 قلمک ۲۹ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۶ شهریور ۱۲۸۹: ۲۳ شعبان ۱۳۲۸ ]  
 صلاح و مقتضی چنان دانسته بودم که تا به حال اظهارات مشترک راجع به طرق  
 جنوبی ایران بعهده تأخیر افتد زیرا که به نظرم موقعی که دولت ایران پولی تحصیل  
 نماید برای این عنوانات مناسبتر خواهد بود. و دیگر به دلیل اینکه دولت فرمانفرمای  
 قادر قوی برای فارس معین کرده بود نمی‌خواستیم آنها را به عسرت و زحمت  
 بیندازم ولی چون بی‌نظمی و عدم امنیت راه اصفهان و شیراز بدتر از همیشه است  
 فرمانفرمای جدید فارس یعنی شاهزاده عین‌الدوله هنوز از طهران حرکت نکرده‌اند  
 عقیده‌ام این است که اکنون ما می‌توانیم اظهارات خودمان را به طوری که در  
 تلگراف جنابعالی ارائه طریق شده بنماییم و سه ماه مهلت معین نماییم که در ظرف  
 آن مدت دولت ایران باید امنیت طرق را مجدداً مستقر نماید.

## نمره - ۱۷۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ سپتامبر)  
 طهران ۳۰ سپتامبر ۱۹۱۰ [ ۷ شهریور ۱۲۸۹: ۲۴ شعبان ۱۳۲۸ ]  
 راجع به تلگراف من مورخه ۲۵ سپتامبر - وزیرمختار روس به من اطلاع دادند  
 که حالیّه طوایف شاهسون اطراف مجاور اردبیل را کاملاً در تحت اختیار و قدرت  
 خود دارند و از قرار راپورت در نزدیکی تبریز مشغول غارت هستند (به پترزبورغ  
 اطلاع داده شد).

## نمره - ۱۷۷

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی  
 وزارت خارجه ۱ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۸ مهر ۱۲۸۹: ۲۶ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 راجع به تلگراف شما مورخه ۲۹ سپتامبر - من موافقم.

## نمره - ۱۷۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۴ اکتبر)

طهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۲۱ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۰ شوال ۱۳۲۸ ]

با کمال توقیر راپورت می‌دهم که امروز مراسله‌ای خطاب به دولت ایران می‌کنم و اخطار می‌نمایم که اگر در ظرف سه ماه دولت ایران در راه بین بوشهر و اصفهان اعاده و انتظام امنیت را ننماید دولت اعلیحضرتی انگلستان اصرار خواهد نمود که قوه محلی در تحت ریاست صاحب منصبان هندی که حکومت هندوستان امانت بدهد برای حفظ امنیت آن راه تشکیل شود. مسیو پاکلوسکی اظهارات مرا در کمال جدیت تأیید و تقویت خواهد نمود. در مراسله مزبوره فقط راه بین بوشهر و اصفهان را ذکر کرده‌ام زیرا که واضح است که قوه پیشنهاد شده برای حراست سایر طرق کافی نخواهد بود بعلاوه اگر [این] نقشه بهره‌ور و مفید شد بعدها همیشه ممکن است آن را وسعت داد.

## نمره - ۱۷۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۷ اکتبر)

طهران ۱۷ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۲۴ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۳ شوال ۱۳۲۸ ]

چند روز است که در کاشان جنگ واقع می‌شود. نایب حسین مؤسس یکی از یاغیگریهای کوچکی که اکنون در جریان اند آن شهر را تصرف نموده و قوه زیادی از بختیاریها که از اصفهان آمده‌اند مشغول حمله و مجادله با او هستند. از طرف بختیاری وقوع تلفات متعدد راپورت داده شده.

## نمره - ۱۸۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ اکتبر)

طهران ۱۹ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۲۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۵ شوال ۱۳۲۸ ]

راجع به تلگراف من مورخه ۱۴ اکتبر

زیر امور خارجه امروز به من اظهار داشتند که برای دولت ایران غیرممکن است که بدون پول اقدامی برای بهبودی طرق جنوبی بنمایند. من جناب ایشان را یادآور شدم که مستر مارلینگ و خودم بارها به ایشان اشاره کردیم که اگر دولت ایران برای استقراض به دولتین اظهار نماید محتمل خواهد بود که جواب مساعد بشنوند.

## نمره - ۱۸۱

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۴ اکتبر)  
 قلمهك ۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۱۳ مه ۱۲۸۹: ۲ شوال ۱۳۲۸]

آفا

خلاصه اخبار ماه گذشته که لفا ارسال می‌دارم تصویر بی‌نظمی و اغتشاش اوضاع مملکت را پیش از پیش اضطراب بخش می‌نماید. صحیح است که اختلاف و نزاع بین خوانین بختیاری که در مراسلات سابق اطلاع دادم اصلاح شده و صولت‌الدوله دیگر شهر اصفهان را تهدید نمی‌نماید ولی فشقاییها در موقعی که به طرف جنوب حرکت می‌کرده‌اند خسارت عظیم و خرابی وسیعی وارد آورده‌اند و حتی آنکه از قرار راپورت دامنه غارت و تاخت و تاز تا حوالی شهر را فراگرفته و از طرف دیگر حرکت ناهزاده عین‌الدوله فرمانفرمای جدید فارس به طرف مقر مأموریت خود هنوز در عمده تعویق است و دولت برای تجمیز استعدادی که باید با معزی‌الیه بروند نمی‌تواند پولی تهیه نماید. راه پستی بین شیراز و اصفهان برای تردد قوافل کاملاً مسدود مانده، در راه شمال اصفهان چندین فقره دزدی واقع شده. لرستان پیش از پیش معرض اغتشاشات بوده و راپورت‌های اخیر حکایت می‌نمایند که حکمران در بروجرد محصور است. در شمال طوایف شاهسون مجدداً علم طغیان برافراشته و پس از آنکه قوای حکومت را که برای مقابلی با آنها فرستاده بودند شکست دادند اینک تمام نقاط و نواحی اطراف را در تحت قدرت و اختیار دارند. بعلاوه از قرار راپورت همان شاهسونها در مسافت ۲۰ میلی تبریز در راه بین تبریز و قزوین مشغول یغما و غارت‌اند. حتی اینکه در مجاورت طهران در بلوک دماوند اسیر مکرم که از ملاکین عمده مازندران است با کمک رشیدالسلطان نامی طغیان و یاغیگری کوچکی فراموش کرده‌اند. این جنبش و عصیان شاید بیشتر به سبب تظلمات و شکایات شخصی برضد دولت ظاهر گردیده و این قدرها مربوط به مراتب پلتيکی نیست. در هر صورت هر دو این اشخاص دارای اتباع و اجزای زیادند و با وجودی که قشون دولت که برای دفع آنها فرستاده شده تاحدی مظفریت داشته هنوز در کوهها مامن و سنگرهای محکم دارند و ممکن است اسباب زحمت و گرفتاری دولت شوند.

در طهران فقط دو اتفاق مهمی که در ماه گذشته افتاده استعفای فرمانفرمای وزیر داخله بوده و فوت نایب‌السلطنه. علت استعفای فرمانفرما اختلاف عقیده و نظری بوده که راجع به کار صولت‌الدوله بین ایشان و همکارانش حادث شده. حضرت والای معزی‌الیه به ابقای صولت‌الدوله به ریاست قشقایی لاقبل تا ورود فرمانفرمای فارس به شیراز مساعد و معتقد بودند در صورتی که سایر وزراء به انفصال فوری صولت‌الدوله رأی داشتند ولیکن این اقدام را با وجود استعفای فرمانفرما، هنوز نکرده‌اند.

به وثوق‌الدوله اصرار زیاد شده است که مقام وزارت داخله را قبول نماید ولیکن تا بحال جداً از قبول این خدمت امتناع نموده. تا حدی که من می‌توانم حکم

کنم کابینه وزراء با اینکه هنوز تقویت و همراهی گرانیمهای سردار اسعد و بختیاری را دارا می‌باشند. از تاریخ مکتوب سابق من از وجاهت‌شان در انتظار مردم کاسته شده است. از هر طرف شکایات ضعف و بی‌قدرتی آنها برای اعاده انتظام شنیده می‌شود. ظاهراً بهترین امید مردم در مراجعت ناصرالملک است.

بنده... ج. بارکلی

### ملفوقه در نمره ۱۸۱

### خلاصه وقایع ماهیانه ایران در سپتامبر ۱۹۱۰

#### طهران

شاهزاده فرمانفرما در این ماه به علت اختلاف عقیده‌ای که با سایر وزراء راجع به رفتار با صولت‌الدوله داشته‌اند از مقام وزارت داخله استعفاء نموده است. عقیده ایشان بر این بود که عزل صولت‌الدوله در این هنگام اوضاع وخیم‌تری از حالت حالیه در فارس تولید خواهد نمود در صورتی که سایر اعضای کابینه مخالف این عقیده را داشتند. تا به حال قائم‌مقامی برای شاهزاده معزی‌الیه معلوم نشده.

عضدالملک نایب‌السلطنه در تاریخ ۲۲ سپتامبر [۳۰ شهریور ۱۲۹۸؛ ۱۷ رمضان ۱۳۲۸] مرحوم شد و روز بعد مجلس جلسه خصوصی برای انتخاب جانشین ایشان منعقد نمود. برای ناصرالملک ۶۰ رأی داده شد در صورتی که بقیه آراء برای تعیین مستوفی‌الممالک بودند.

جنازه نایب‌السلطنه مرحوم در تاریخ ۳۰ سپتامبر با رسومات و تجلیلات شایانی حرکت داده شد. هیئت نمایندگان خارجه در لباس رسمی نیز حضور داشتند. اقدامات امیرمکرم و رشیدالسلطان در شمال شرقی طهران تولید تشویش و اضطرابی نموده.

امیر مکرم حاکم موروثی لاریجان است و خانه و علاقه‌اش در رنه [رینه] که در دامنه‌های شرقی دماوند است واقع است. مشارالیه و رشیدالسلطان راجع به بعضی گفتگوها و دعاوی که نسبت به املاک متصرفی آنها در میان بوده به حکم حکومت جلب به عدلیه شده بودند و محاکم آنها را محکوم نموده لهذا آنها به کوه‌ها رفته به دولت عاصی شدند. اردوها بر مخالفت آنها فرستاده شد و جنگهای مختصر واقع شده ولی تاکنون هر دو یاغیها آزاداند.

در جلسه ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور ۱۲۸۹؛ ۱۳ رمضان ۱۳۲۸] مجلس یکی از نمایندگان شیراز موسوم به حاجی آقا، سردار اسعد را که به سمت نمایندگی طهران به صندلی خود نشسته بود راجع به وضع و رفتار نسبت به صولت‌الدوله تنقید و حمله سخت نمود. نماینده مزبور به سردار اسعد اصرار و تأکید بلیغ نمود که از مداخله در اموری که مربوط به او نیست اجتناب نماید و اظهار داشت اگر سردار اسعد این مبارزات بی‌حق خود را نسبت به رئیس بی‌آزار قشقایی خاتمه ندهد



ایشان هم کمتر از رشیدالسلطان یاغی نخواهد بود. سردار اسعد هیچ احساس رنجش و تغییری بروز نداده و در نهایت متانت و آرامی به تنقید و حمله مشارالیه جواب دادند.

#### تبریز

مقارن اواخر سپتامبر راپورت رسید که اغتشاشات سخت در اردبیل ظهور کرده، طوایف شاهسون طغیان نموده و استعداد حکومت را شکست داده و چند عراده توپ از آنها گرفته‌اند و مشغول غارت بودند. چنان شهرت کرد که پسر رحیم‌خان که با پدرش تبعید شده بود به قراجه‌داغ مراجعت نموده و تولید اغتشاشات می‌نماید. پست طهران در نزدیکی میانج غارت شده است.

در تاریخ ۲۹ سپتامبر [۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۸] موافق راپورت واصله دسته عمده‌ای از شاهسونها مشغول غارت شبلی در بیست و پنج میلی تبریز بوده‌اند.

#### مشهد

(۱) وضع ایالت بی‌تغییر مانده است ولی وقوع چندین فقره سرقت راپورت داده شده.

در طبس حکومت مشغول اقدامات عملی است که دفع دزد معروف محمدعلی نیشابوری را بنماید ولی تاکنون نتیجه نبخشیده. در اوایل سپتامبر قافله‌ای که متعلق به اتباع انگلیس بود در موقعی که از مشهد به طرف افغانستان عزیمت می‌نموده در نیم میلی شهر مشهد غارت شده. کفیل ایالت نظر به اینکه هیچ قوایی ندارد عاجز و بی‌قدرت است.

(۲) تاجر باشی روس که یکی از اتباع متمول و معروف روس است در اواخر ماه اوت به طریق مکتوم عجیبی مفقودالثر شد و تا به حال اثری از آن معلوم نشده.

#### سیستان

در تاریخ ۲۱ اوت [۸ شهریور؛ ۲۵ شعبان] قافله‌ای از کوه ملک‌سیاه به سیستان می‌رفته در نزدیکی گرده چاه دچار حمله یک‌دسته دزدی که مرکب از ۷ نفر افغان و ۳ نفر بلوچ بوده است شده‌اند. در جزء قافله مزبور هم ۴ بار شتر متعلق به قنسول دولت اعلیحضرتی مأمور سیستان بوده ۴ نفر از اشخاصی که داخل قافله بودند مقتول و تمام اسباب مال‌التجاره به غارت برده شد.

دستجات مأمورین به تعاقب دزدها فرستاده شدند و رد آنها را تا به «میر آباد» معین نموده‌اند ولی تاکنون دستگیر نگردیده‌اند. از قرار راپورت در همان اوان یک دسته از زواری که به مشهد می‌رفتند در تنگه انجیره دوچار حمله سارقین شده و ۱۶ نفر کشته شده‌اند.

در تاریخ ۱۲ سپتامبر راپورتها حاکی بر این بوده‌اند که راهها هنوز ناامن‌اند.

## اصفهان

در شهر اصفهان وضع بطور عادی است و در مدت ماه سپتامبر تمام راهها به استثنای راه طهران ظاهراً امن بوده‌اند و قوافل بدون آسبیبی می‌آمدند. در نیمه آخر سپتامبر در راه طهران سه فقره دزدی واقع شده که در وهله اخیر پستی را که به طهران می‌رفته در قریب ۳۰ میلی اصفهان زده و غارت کرده‌اند از قرار مذکور دزدها بختیاری بودند.

نزاع و اختلاف بین رؤسای بختیاری لاقلاً فعلاً اصلاح شده. سردار اسعد اکثر رؤسای عمده را به طهران احضار نموده که يك قرار اصلاح دائمی داده شود ولی باید دید که رؤسای مذکوره حکم احضار او را اطاعت خواهند نمود یا خیر.

## یزد

(۱) سردار جنگ حکمران در تاریخ ۱۸ سپتامبر [۲۶ شهریور؛ ۱۳ رمضان] به طرف اصفهان عزیمت نمود و سالار مؤید را به کفالت حکومت گذارد. مشارالیه جوانی است ۲۲ ساله و بعلت رفتار تند بی‌ملاحظه‌اش خیلی مورد نفرت و بی‌میلی اهالی شده است. در خصوص عهد حکومت سردار جنگ، مذکور است که زمان خوشی بوده که در آن زمان راهها امن و انتظام کامل در شهر موجود بوده است ولی از طرف دیگر طرز استبداد و خودرأئیش در حکومت شدیداً ارتجاعی بوده است. ارتشاء خیلی معمول و تمام ادارات مشروطه که تأسیس شده بودند مجبور به تمکین و مقهوریت نسبت به او بوده‌اند. وضع راهها بطور عادی بوده مگر راه نائین و اصفهان که از قرار راپورت از امنیتش اطمینان حاصل نبوده و راه یزد و انار [انارک؟] که در اواخر ماه سپتامبر دزدها بسته بودند.

(۲) در اواخر ماه سپتامبر نایب حسین کاشی و انتظام‌الملک از انارک به اردستان رفته به آن محل و زواره تحمیلات وارد آورده‌اند. چندین نفر از ساکنین عمده اردستان که از جمله آنها قاضی عمده محل بود گرفتار شده و مورد بد رفتاری اتباع نایب شده‌اند ولی انتظام‌الملک به محض ورود قاضی مزبور را مستخلص کرده و مالش را به او رد کرده بعلاوه یکی از متهاجمین مشارالیه را تنبیه سخت نموده و گوش دیگری را بریده است.

معلوم می‌شود که نایب حسین مایل به تمکین و تسلیم است ولی شرط می‌کند دولت قلم عفو بر اعمال گذشته او بکشد و پسرش را که در طهران محبوس است آزاد نمایند. مشارالیه به همین مضمون تلگرافی به مجلس ملی نموده و درخواست عفو کرده است. اتباع و اردوی او از قرار مذکور پانصد نفر پیاده و سواره بالغ می‌شود.

## بروجرد

از قرار راپورت حکمران حمله‌ای را که سیلاخوریمها به شهر برده‌اند جلو گرفته آنها را عقب نشانده‌اند و همچنین با طایفه مال‌سبزه‌ای جنگی شده است و ظاهراً ایلات شهر را محاصره نموده‌اند.

## کرمانشاه

(۱) نفوذ و اقتدار سابقه حکومت اینک از قرار معلوم کاملاً درهم شکسته قدرت و سختی فوق‌العاده‌ای که در ماههای اوایل حکومتش بروز و ظهور داد اسباب این شد که عده زیادی نسبت به او مخالف و دشمن شوند. این دشمنان به ریاست ملای بزرگ کرمانشاهان با معیت رؤسای مأمورین منفور که ادارات محلی حکمران مشارالیه اهتمام در محدود نمودن آنها می‌کرد بعلاوه تحصیلدار عمده مالیات که از مداخل معمولی‌اش جلوگیری می‌شد اجماعاً بر ضد حکومت به طهران شکایت کردند. این شکایات که اکثر آنها به کلی بدون حق و مأخذ بوده به قدری وضعیت و مقام حکومت را تضعیف نموده که در حالت ثبات و استقامتش به تدریج سستی عارض شده و استعفای خود را داده است ولیکن دولت این استعفاء را نپذیرفته.

(۲) در اوایل سپتامبر ۱۰۰۰۰۰ لیره تخمین شده بود در نزدیکی کنگاور به کلی یغما و غارت کردند و همچنین یک عده زوار را لخت نموده‌اند. از جمله آنها قریب ده خانواده از هندیهای انگلیس بوده‌اند که پس از غارت شدن با حالت فلاکت و بیچارگی وارد کرمانشاه شدند. اگرچه اکثر این دزدیهها خارج از حوزه حکمرانی نظام‌السلطنه واقع شدند ولی معزیه‌ایه استعدادی به محل وقوع سرقت فرستادند. چنین راپورت داده شده که قسمت عمده دزدیهها را طایفه خزل مرتکب شده‌اند و بقیه را طایفه کاکاوند. عقیده عمومی این بود که این سرقتها و شرارتها به‌اشاره و تحریک سردار اکرم که در نزدیکی هرسین اقامت دارد مبادرت شده.

## همدان

در اوایل سپتامبر بین عباس‌خان چناری و حکومت با تقویت استعداد کردستانی جنگی واقع شده عباس‌خان شکست خورده و به طایفه خزل در نزدیکی کنگاور ملتجی گردید.

## کرمان

صارم‌الملک پسر ارشد سردار ظفر و مدیرالدوله نایب‌الحکومه سابق یزد در تاریخ ۵ سپتامبر وارد کرمان شدند. به قنسول دولت اعلیحضرتی اطلاع داده شد که صارم‌الملک تا ورود پدرش موقتاً حکمران است ولی معلوم نبود که مقام مدیرالدوله چیست.

راههای کرمان ظاهراً مأمون و مصون است ولی طرق بلوچستان تماماً خالی از امنیت‌اند.

در تاریخ ۱۸ سپتامبر نایب‌الحکومه سابق و رئیس نظمیه از خوف تنبیه شدن به دست صارم‌الملک در قنسولخانه دوت اعلیحضرتی متحصن شدند.

#### شیراز

قوام‌الملک کفیل ایالت در شهر انتظام را محفوظ دارد ولی در سایر نقاط بی‌قدرت و عاجز است.

راه کازرون به بوشهر کماکان مسدود است ولی قوافل از راه فیروزآباد عبور می‌نمایند.

راه بزرگ به اصفهان در معرض تاخت و تاز عرب و قشقایی است که به هیچ چیز ابقاء نمی‌نمایند و پست را مرتباً غارت می‌کنند.

سیمهای تلگراف پیوسته مقطوع و مأمورینی را که برای تعمیر بیرون می‌روند لخت می‌کنند و کتک می‌زنند. یک قافله اخیراً از اصفهان از راه سرحد عبور کرده و وارد شیراز شد.

حاکم داراب و تمام مأمورین آنجا مقام خود را ترك و تخلیه نموده آن محل در دست بهارآو است.

از قرار مذکور بهارلو با شیخ زکریا درصدد ستیزه و جنگ‌اند و قشقاییها در تحت ریاست صولت‌الدوله به طرف جنوب حرکت می‌نمایند و تمام دهات جنوب آباده را غارت نموده و حتی تا حوالی شهر شیراز را تاخت و تاز نمودند.

کفیل حکمران سوارهای عرب را به داخل شهر آورده زیرا که قصد صولت‌الدوله که بیش از ۳۰ میل از شهر دور نیست معلوم نیست.

در وضع قشون شیراز بهبودی حاصل شده است چنانچه لباس آنها بهتر شده حقوقشان مرتب می‌رسد و گاهی مشق هم می‌کنند.

عین‌الدوله هنوز از طبران حرکت نکرده که زمام امور ایالت فارس را به کف کفایت بگیرد ولی قرار است که عمأقرب حرکت کند.

#### خلیج فارس

##### بوشهر

دریابییگی با يك استعداد ۳۰۰ نفره و ۲ عراده توپ در تاریخ ۹ اوت از بوشهر حرکت نموده و در اواخر ماه اوت هنوز مشغول عملیات و اقدامات جنگی بر ضد «زائر خدر» شیخ اهرم بوده است ولی هیچ نتیجه قطعی گرفته نشده لکن دریابییگی چنین شهرت داد که مقصود عمده‌اش از این اقدامات تأسیس گمرکخانه در بندر دلوار بوده که به این وسیله از قاچاق امتعاه‌ای که به تشویق و تقویت رئیس‌علی تنگستانی

سرکرده دلو از کرده می شود جلوگیری نماید.

### اهواز

شیخ خزعل استعدادی مرکب از ۵۰۰۰ نفر در اوایل ماه اوت در بند قیر جمع آوری نموده و خودش به آنجا رفته که رؤسای دستجات مخالف شوشتر را ملاقات نماید. نتیجه ملاقات این شد که يك نفر نماینده از طرف شیخ به شوشتر آمده و بر این اصلاح موفق گردید که فریقین مخالفین اسلحه خود را زمین گذاشته و قلاع و سنگرهای خود را خراب نمایند و در تاریخ ۱۳ ماه اوت بازارها مجدداً باز شدند. شیخ خزعل به محرمه مراجعت نمود ولی دو نفر از رؤسای شوشتر را که با خود آورد بود به ناصری فرستاد. در اواخر ماه اوت مجدداً راپورت داده شد که اغتشاشات جدید در شوشتر بروز نموده.

### ماژر استکس آتاشه نظامی

### نمره - ۱۸۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۵ اکتبر)

طهران ۲۵ اکتبر ۱۹۱۰ [۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۱ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۱۹ اکتبر - مراسله دولت ایران به من رسید. تلگراف مورخه ۲۲ اکتبر زوتر از طهران خلاصه خوبی است از آن مراسله خواهشمندم رجوع فرمایید.

پس از مشورت با وزیر مختار روس چنین پیشنهاد می کنم که در صورت تصویب جنابعالی در جواب به دولت ایران خاطر نشان نمایم که آنچه در مراسله راجع به حضور قشون خارجی در ایران و سوء استعمال بست و تحصن در سفارتخانه های خارجه (روس و عثمانی) نوشته شده است ربطی به موضوع مطرح ما یعنی به مسئله غارتگریهای ایلات در طرق جنوبی ندارد.

و اما در مسئله ترقی عایدات گمرک موافق استاتیسٹیک این ترقی در موضوع عایدات شمالی بیشتر از جنوبی صدق می نماید و اگرچه صحیح است که در پنج ماه گذشته در گمرکات جنوبی نسبت به عایدات پنج ماه سال سابق يك تجدید حیاتی مشاهده می شود (در عایدات گمرکات محرمه حقیقتاً ترقی زیادی حاصل شده) ولی این مسئله را نباید فراموش کرد که در ماههای اوایل سال گذشته بوشهر دچار اغتشاشات تنگستانیها بوده است.

به هر حال يك مسئله را نمی توان انکار کرد که در راه بزرگ جنوب به علت اغتشاشات به کلی عبور و تردد مسدود است و تا هنگامی که این وضع باقی است در تجارت رواج و حیات جدید ما دوامی حاصل نخواهد شد.

این مسئله را نیز به دولت ایران توضیح خواهم کرد که ما اجازه افزایش به گمرکات واردات جنوبی نمی‌توانیم بدهیم مگر اینکه عایدات از این مجری به مصرف بازکردن و تأمین راههای جنوبی رسانده شود. ولیکن هیچ اعتمادی نمی‌توانیم داشته باشیم که عایدات مزبور بطور صحت به مصرف برسد.

و دیگر در مراسله ذکر خواهیم کرد که هر قدر که دولت اعلیحضرتی انگلستان از مجبور شدن به اجرای نقشه منظوره که مستلزم اقل مداخله در امور داخلی ایران خواهد بود اکراه داشته باشد، مصمم است که در صورت عدم استقرار نظم در مهلت معیوب آن نقشه را به موقع اجراء گذارد.

به همچنین در جواب متذکر خواهم شد که اگر دولت ایران از يك کمپانی معتبر انگلیسی معامله و قرض می‌نماید به شرط آنکه ناقض و مخالف با شرایط و مواد مندرجه در مراسله مشترك ۷ آوریل نبوده باشد دولت اعلیحضرتی انگلستان آن معامله را به نظر عدم مساعدت ملاحظه نخواهد نمود.

#### نمره - ۱۸۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۶ اکتبر)

طهران ۲۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۳ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۸]

کفیل قنسولگری تبریز خبر می‌دهد که پسر رحیم‌خان در قراچه‌داغ مشغول تولید اغتشاشات سخت است و با يك استعداد مرکب از ۱۵۰۰ نفر در خارج اهر به اردوی دولت یورش برده است.

#### نمره - ۱۸۴

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه ۲۶ اکتبر ۱۹۱۰ [۳ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۱ رمضان ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف شما مورخه ۲۵ اکتبر. من جواب شما را تصویب می‌کنم.

#### نمره - ۱۸۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اکتبر)

از طهران ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ [۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۸]

قشون دولت پسر رحیم‌خان را شکست دادند.

## نمره - ۱۸۶

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۷ اکتبر)  
 طهران ۲۷ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۴ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۲ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 راجع به تلگراف من مورخه ۱۷ اکتبر. در کاشان هنوز جنگ در کار است و  
 بختیاریان تاکنون نتوانستند سنگرهای نایب حسین را بگیرند.

## نمره - ۱۸۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۲۹ اکتبر)  
 طهران ۲۹ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۶ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۴ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 مدتی می‌گذرد که راه پستی بین بوشهر و شیراز برای تردد تجارت به کلی  
 مسدود بوده ولی در این ایام در يك حالت اغتشاش و بی‌نظمی است که نظیر و سابقه  
 آن دیده نشده.

امروز اطلاع حاصل نمودم که خطوط تلگراف اداره هند و اروپا را طوایف  
 قشقایی در نزدیکی دشت ارژن بفاصله زیادی خراب نمودند، کلیه مقره‌ها را شکسته  
 و سیمها را بریده و يك قسمت از سیم را برده‌اند. فعلا خط به کلی مقطوع است و  
 يك نفر صاحب‌منصب اداره در کوشش است که مرابطه و مخایره را اعاده نماید ولی  
 به واسطه اغتشاش و هرج و مرجی که اکنون موجود است رئیس کل مشغول معاودت  
 دادن او است و مجبوراً قدغن نموده که هیچ صاحب‌منصبی برای انجام ماموریت راجع  
 به قطع سیم بیرون نرود.

## نمره - ۱۸۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر)  
 طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [ ۷ مهر ۱۲۸۹؛ ۲۵ رمضان ۱۳۲۸ ]  
 تغییرات ذیل در کابینه حادث شده است:

عین‌الدوله وزیر داخله

فرمانفرما وزیر جنگ

صنیع‌الدوله وزیر مالیه

محتشم‌السلطنه وزیر عدلیه

حسینقلیخان کماکان به وزارت خارجه باقی است.

## نمره - ۱۸۹

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر)

طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [۷ مهر ۱۲۸۹: ۲۵ رمضان ۱۳۲۸]

ژنرال قنسول دولت اعلیحضرتی از بوشهر تلگراف ذیل را می‌نماید:

«مبادرت کرده اهمیت و وخامت فوق‌العاده اوضاع کنونی جنوب ایران را تأکیداً خاطر نشان می‌نمایم و با کمال احترام خلاصه آن اوضاع را ذیلاً تقدیم می‌دارم: دولت کلیتاً از اعمال قدرت و حکمرانی در کلیه بلوچستان منصرف شده است. در هفته گذشته در چاه بهار انتظار داشتند که طوایف دشتیاری حمله و تاخت و تاز عظیمی به آن نقطه نمایند ولی حضور یک دسته قشون انگلیس باعث انصراف و انحراف متهاجمین گردید.

از قرار راپورت در هفته گذشته به قریه ملکی میر بیابان که با ما معاضدت و همدستی می‌کرد هجوم برده‌اند و خود میر به قتل رسیده است. برای تحقیق صحت این خبر من قاصد مخصوص فرستاده‌ام.

اولیاء امور ایران برای توقیف کردن میر برکت که در ماه اوت گذشته فرار نموده اهمتامی نکردند.

با کمال افتخار جنابعالی را به تلگراف ۱۱ اکتبر خودم راجع به اوضاع بندر عباس مراجعه می‌دهم. در اوایل ماه یک دسته دزدی که مرکب از ۵۰۰ نفر جنگجو بوده از طرف لارستان به آن نواحی نزول کرده و چندین قافله و قریه را صدمات و خسارات زده و تا قریب قنسولخانه قدیم ما و محل قرنتین نزدیک شده‌اند.

از طرف مأمورین محلی هیچ مخالفت و مقاومتی در مقابل آنها نشد، کسی در تعاقب آنها نرفت و از غارت هیچ استرداد نشد. مال‌التجاره انگلیس معادل یک لک روپیه در جزو اموال مسروقه است.

راجع به بوشهر و مجاورت آن نظر به اینکه وضع به اندازه‌ای که مستلزم تصدیق و مزاحمت جنابعالی بوده باشد سخت اضطراب‌آور نبوده تلگرافی نکردم ولی تنگستانیها راحت نمی‌نشینند. بنابر دلایل صحیح و اطلاعات بی‌شبهه که در چند روز گذشته به من رسیده است، صولت‌الدوله مشغول اهتمام و متقاعد کردن بعضی از رؤسای آنها است که در طرف او در حکومت بوشهر مداخله نمایند.

کفیل قنسولگری شیراز خبر می‌دهد که رئیس قشقایی مشغول تحریک اغتشاشات در شهر و اطراف است.

انتظار می‌رود که بلوچیها در ایالت کرمان به نرمایشیر هجوم ببرند. چنانچه قبلاً راپورت دادم پست بین بوشهر و طهران را اداره پست از راه بغداد و اهواز مقرر داشته.

چنانچه مستحضرید مأمورین اداره تلگراف هند و اروپا در سمت جنوب اگر اصلاً بتوانند برای تعمیر بیرون بروند با مخاطرات زیاد این تکلیف را انجام می‌دهند. حقیقتاً غیر ممکن است که بدون تشویش و اضطراب خاطر چنان تصور نمود که



سه ماه دیگر يك چنین هرج و مرج کاملی باقی باشد و در هر صورت به عقیده من قوه‌ای که برای حفظ و ساخلو راه بین بوشهر و اصفهان معین شده یعنی ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر دیگر برای این خدمت کفایت نخواهند نمود ولیکن این مسئله محقق است که اشکال و مخارج هر اقدامی که ما به عهده می‌گیریم بر نسبت مدتی که می‌گذرد و تاخیری که می‌شود افزوده خواهد شد.

تنقید و عقیده خود را راجع به راپورت فوق تا فردا به عهده تعویق می‌اندازم.

## نمره - ۱۹۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۰ اکتبر) طهران ۳۰ اکتبر ۱۹۱۰ [۷ مهر ۱۲۸۹: ۲۵ رمضان ۱۳۲۸]

اطلاعاتی از کفیل قنصلگری دولت اعلیحضرتی از شیراز به من رسیده حاکمی بر اینکه شورش عظیمی امروز در شهر بروز کرده که قشون دولت و استعداد قشقای در آن شرکت داشته‌اند.

از قرار راپورت مستر اسمارت این اغتشاش به اشاره صولت‌الدوله بوده و قشقایها شهر شیراز را محاصره نموده و داخل شهر می‌شوند. عمارت حکومتی را شورشیان احاطه کرده و همچنین محله یهودیان شهر را غارت کرده‌اند.

مراسله‌ای به دولت ایران در این موضوع نوشته و دولت را مسئول هر خسارتی که به جان و مال اتباع انگلیس وارد شود نموده‌ام.

## نمره - ۱۹۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اکتبر) طهران ۳۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۸ آبان ۱۲۸۹: ۲۷ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر رئیس‌الوزراء و وزیر تلگراف در مقام وزارت خود باقی‌اند.

## نمره - ۱۹۲

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳۱ اکتبر) طهران ۳۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۸ آبان ۱۲۸۹: ۲۷ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر اینک مبادرت کرده توضیح می‌نمایم اغتشاشاتی که نایب‌سرهنگ ککس [کاکس؟] راپورت داده است اگر بطور کلی ملاحظه شوند حقیقتاً دلالت به وجود يك وضع خیلی وخیمی در جنوب ایران می‌نمایند. ولی اگر جدا جدا ملاحظه شوند اختلافی بین آنها و اغتشاشات ماههای گذشته واقع در

جنوب نیست مگر در شدت و ضعف اغتشاش بجز اینکه اغتشاشات انعکاس سوئی در رضع طرق می‌نمایند و اتباع انگلیس را گاهی به معرض مخاطرات می‌اندازند. دیگر به عقیده من مستقیماً به منافع انگلیس اثری نمی‌کند تجربیات گذشته معلوم نمود که از غارتگریها و تاخت و تاز سارقین به اتباع انگلیس خطر چندانی وارد نیست. کشتی‌های دولت اعلیحضرتی برای حفظ و حمایت اکثر آنها نزدیک و حاضرند.

بعلاوه این مسئله که راههای تجارتی مسدوداند چیز تازه‌ای نیست و اگرچه آتیه ممکن است به ما ارائه و معلوم نماید که این نقشه ما راجع به امنیه راه غیر کافی است ولی به عقیده من به هر صورت شایسته امتحان است که قبل از آنکه برای استقرار نظم در جنوب ایران توسل به مداخله بجوییم این نقشه را در راه بوشهر و اصفهان بموقع اجراء گذاریم زیرا که آن مداخله و استقرار انتظام در کلیه جنوب مستلزم اعزام اردوی عظیم و مخارج گزاف بوده بعلاوه منتج نتایجی می‌شود که دامنه احتمالات مالی آن خیلی وسیع خواهد بود.

ضعف دولت از اثر فقدان سرمایه است چنانچه مدتی می‌گذرد که ایالت فارس بی‌فرمانفرما است زیرا که دولت وجه لازم را ندارد که تهیات و تجهیزات حکمران تعیین شده را درست فراهم نموده و او را روانه مرکز مأموریت نمایند. عقیده من بر این است که ما باید قبل از توسل به مداخله عظیمی که تجربه پرخطری است لاقلاً ملاحظه و امتحان نماییم که دولت ایران با داشتن سرمایه چه خواهد کرد. لهذا امید است که بزودی کمک و مساعدت مالی به دولت ایران بشود.

### نمره - ۱۹۳

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱ نوامبر)

طهران ۱ نوامبر ۱۹۱۰ [۹ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۸ شوال ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۲۷ اکتبر

نایب حسین و اتباعش شبانه از کاشان فرار نموده‌اند و بختیاریها در تعاقب

آنها هستند.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

### نمره - ۱۹۴

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۳ نوامبر)

طهران ۱۵ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۲ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۱ شوال ۱۳۲۸]

آقا

راجع به تلگراف دیروز من اینک با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که دیروز

در خصوص بی‌نظمی طرق جنوبی به دولت ایران نوشته‌ام لفاً ایفاد می‌دارم.

بنده... جرج بارکلی

## ملفوقه در نمره ۱۹۴

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران  
 طهران ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۱ مه ۱۲۸۹: ۱۰ شوال ۱۳۲۸]

جناب وزیر

مکرر نظر دولت ایران را به عدم امنیت ناگوار طرق جنوبی مملکت معطوف ساختم. بدبختانه اظهارات من نتیجه نبخشیده هیچ بهبودی که حاصل نشده سهل است و وضع این طرق امروز بدتر از هر موقعی است که از ابتدای مأموریت خود به ایران مشاهده کرده‌ام. سرقتها و شرارتها پیش از پیش واقع می‌شوند و طرق عمده که مگری و مسیری تجارت انگلیس به داخل مملکت بودند در این ایام به واسطه تهاجمات و تاخت و تاز طوایفی که ظاهراً بکلی از دایره اقتدار و اختیار دولت مرکزی بیرون‌اند کاملاً مسدود شده‌اند.

فعلاً مذاکره و دعاوی عدیده راجع به حملات به اتباع انگلیس و سرقتها امتعه متعلق به آنها را که به توسط این سفارتخانه و قنصلخانه‌های دولت اعلیحضرتی انگلستان به دولت علیه ایران و مأمورین محلی ولایات اظهار شده به عهده تعویق می‌اندازم و تسویه و تأدیة آنها در موقع خود مطالبه خواهد گردید ولی اکنون اظهار من اصلاً و اساساً مربوط به اقداماتی است که باید برای علاج اوضاع ناگواری که بالاخره در نظر دولت اعلیحضرتی انگلستان تحمل‌ناپذیر شده کرده شود.

از طرف وزیر امور خارجه دولت اعلیحضرتی به من چنین تعلیمات رسیده که به جنابعالی اطلاع دهم که اگر تا انقضای سه ماه از این تاریخ در راههای بین بوشهر و شیراز و بین شیراز و اصفهان که مخصوصاً محل وقوع تهاجمات و تظاولات عظیمه و خیمه بوده‌اند اعاده امنیت و انتظام نشود دولت اعلیحضرتی خود کرها و عنفاً اقدام به عملیاتی که برای تأمین صحیح و حراست این طرق لازم است خواهد نمود.

خاطر محترم را نیز استحضار دهم که در صورت عدم موفقیت دولت ایران بر اعاده نظم در مدت و مهلت معهود اقداماتی که اجرای آن را دولت اعلیحضرتی در اولین هله در نظر دارد این است که قوه امنیه‌ای مرکب از ۱۰۰۰ الی ۱۲۰۰ نفر در تحت فرمان یک عده از صاحب‌منصبان انگلیس از قشون هند برای حفظ راههای منظوره در محل تشکیل و تنظیم شوند. یک قسمت از وجه مخارج این قوه به این حاصل خواهد شد که به حقوق گمرکی کلیه واردات بنادر جنوبی صد دهی افزوده شده و جمع‌آوری شود یک قسمت دیگر از آن مالیات ایالت فارس داده خواهد شد به این معنی که قسمت کافی از آن مالیات را بعلاوه عایدات صد ده اضافی گمرک فوق‌الذکر باید به فرمانده کل این قوه امنیه بپردازند. امید و اعتماد دارم که این مسئله مورد جدی‌ترین توجه کابینه ایران خواهد شد.

در همین موقع که به دولت ایران نتیجه مداومت این وضع المانگیز کنونی طرق

جنوبی را اخطار می‌نمایم وقت‌را مغتنم شمرده و احترامات فائقه‌خود را تقدیم می‌دارم.  
بنده... ج. بارکلی

### نمره - ۱۹۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۴ نوامبر)  
طهران ۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
راجع به تلگراف من مورخه ۳۰ اکتبر - قنسول دولت فخمه از شیراز خبر  
می‌دهد که وضع شهر هنوز مورث اضطراب و تشویش خاطر است.

### نمره - ۱۹۶

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی  
وزارت خارجه ۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
راجع به تلگراف شما مورخه ۳۰ اکتبر - کمیته اتحاد اسرایلی از دولت  
اعلیحضرتی تمنا نموده که وسیله اعاده انتظام را در شیراز تأیید و فراهم نمایند.  
به همچنین مجمع اتحاد اسرایلی به دولت فرانسه اصرار نموده و واداشته است که  
به وزیر مختار فرانسه در طهران به همان مفاد تعلیمات فرستند. شما با وزیر  
مشارایه همراهی کنید و هر اقدامی که ممکن است در این موضوع بنمایند.

### نمره - ۱۹۷

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ نوامبر)  
طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
قنسول روس مأمور کرمان در موقعی که از کرمان به طهران مسافرت می‌کرده  
مایین کبوترخان و رفسنجان خود و زنش و دو بچه‌اش با چهار قزاق روس به دست  
سازقین گرفتار گردیدند.

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

### نمره - ۱۹۸

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۹ نوامبر)  
طهران ۹ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۶ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
راجع به تلگراف امروز من - قنسول روس و همراهانش موافق راپورت حالیه به  
سلامت به رفسنجان وارد شده‌اند.

## نمره - ۱۹۹

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۱ نوامبر)

طهران ۲۹ اکتبر ۱۹۱۰ [۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۸]

آقا

راجع به تلگراف من مورخه ۲۵ شهر حال و مراسله مورخه ۱۵ اکتبر اینک با کمال توقیر ترجمه انگلیسی مراسله دولت ایران را که در جواب مراسله ۱۴ اکتبر ما راجع به استقرار و اعاده انتظام در راههای جنوبی نوشته‌اند لفاً تقدیم می‌دارم. بنده... ج. بارکلی

## ملفوفه در نمره ۱۹۹

مراسله حسینقلی‌خان به سر جرج بارکلی

طهران ۲۱ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۸ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۸]

جناب جلالت‌مآب اجلا از مفاد مراسله جنابعالی مورخه ۱۰ شوال ۱۳۲۸ مطابق ۱۴ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۱ مهر ۱۲۸۹] راجع به طرق جنوبی استحضار حاصل شد. اینک با کمال توقیر جواباً زحمت افزاست چنانکه دولت متبوعه آن جناب جلالت‌مآب بخوبی مستحضر و مسبوق بوده و تصدیق خواهند فرمود پس از زوال اغتشاشات سابقه در سال گذشته در موقعی که دولت جدید ایران زمام حکومت را در دست گرفته‌اند مملکت در چه وضع ناگوار الم‌انگیزی بوده چه که تمام امور و ادارات دولت خاصه اداره مالیه در یک بی‌ترتیبی و اغتشاش کاملی بوده و اساس امنیت و آسایش عمومی بکلی در هم و متزلزل بوده است.

با وجودی که دولت جدید هر روزه با موانع و اشکالاتی عظیم (از قبیل اقامت دستجات قشون خارجه در مملکت که باعث تزلزل و ملالت عمومی بوده و برای تحریکات و دسیسه‌کاری اشخاصی که از اوضاع مغشوشه سابقه منتفع می‌شدند تشبث و بهانه‌ای است و همچنین بروز اتفاقات دیگر مثل وقایع قراجه‌داغ و اردبیل و زنجان و ورامین و غیره که دائماً قوای دولت را در چندین نقطه مشغول داشتند) تصادف می‌نمایند مع‌ذلك از آن تاریخ تاکنون امورات مملکت از خیلی جهات بهتر شده و می‌شود ولی بدبختانه در بعضی نقاط دسیسه‌کاری اشخاصی که برای منافع شخصی خود می‌خواهند مملکت در اغتشاش دوره سابق باقی ماند بطوری که ذیلاً شرح داده می‌شود هنوز در کار بوده و بکلی متروک و موقوف نشده است.

مثلاً بعضی اشخاص پس از تحقق تقصیرشان در افسناد و دسیسه‌کاری در سفارتخانه‌های مختلفه تحصن اختیار نموده و از این حمایت مبدوله سوء استفاده کرده و خود را از نفی و تبعید که عادتاً در مورد این قسم متحصنین معمول می‌دارند معاف دانسته و در داخل و خارج سفارتخانه مشغول اسباب‌چینی و دسیسه‌کاری‌اند و جمعی دیگر به قواعد و وسایلی که در نامشروع بودن اکثر آن وسایل شبیه و خلافی نیست

مثل اشخاص تحت حمایت که خود را مصون و معاف از هر تعرض دانسته از هیچ افساد و تحریکی خودداری و مضایقه نمی‌نمایند و به همین طریق یک قسمت دیگر که در ظاهر اتباع ایران به شمار می‌آیند ولی در حقیقت متکی به ملیت و تبعیت خارجه هستند با یک جسارت و اطمینان کاملی مرتکب تقصیرات و جنایات می‌شوند و پس از آن خود را به عنوان تبعیت خارجه معرفی کرده از حکومت و سیاست دولت می‌گریزند. به همین نحو اشخاصی که بدون شبهه اتباع ایرانند ولی به وسایل غیر قانونی مدعی تبعیت خارجه‌اند مرتکب انواع مختلفه خلاف‌کاریها و افساد می‌شوند. این مسائل که باعث نهایت تصدیع و مزاحمت دولت است و تولید اغتشاشات در مملکت می‌نمایند به ضمیمه اقامت طولانی دسته‌جات قشون خارجه باعث تجری و تشویق بعضی اشخاص شده که به امیدهای بی‌اساس مستظهر گردیده و خیالات فاسد نمایند که اوضاع و اداره سابق عودت خواهند نمود.

علاوه بر اینکه از اثر این مسائل وقت و دقت دولت فوق‌العاده مصروف و متوجه ملاحظات و لوازم امور داخلی مملکت بوده این مسئله طبیعتاً اسباب تأسف و تأثر است چه که دوام و بقای این وضع امور ممکن است که سکت و خسارتی به تجارت بین اتباع انگلیس و ایران در ولایات جنوبی وارد آورد.

عقیده دولت ایران بر آن است که عمده سبب این اوضاع ناگوار علاوه بر دلایل فوق‌الذکر تأثیر سوئی است که اقامت دستجات قشون خارجه در مملکت حادث کرده و دیگر اشکالات و مضایقه [ = مضیقه ] مالی دولت است که از عدم ترتیب و مراقبت اداره سابقه نتیجه شده است.

اگر این تأثیرات سوء ناگوار و اشکالات مالی نبودند قوایی که فعلاً در خدمت دولت‌اند برای حفظ انتظام کافی می‌بود. در آن صورت تأمین طرق جنوبی مورد اشکالی نمی‌بود ولی چنانچه در فوق ذکر شد به واسطه اشکالات مالی است که دولت نتوانسته به مقصود اصلی خود که تکمیل امنیت است موفق و نایل گردد.

چنانچه در مراسله جوابیه وزارت خارجه مورخه ۲۶ ربیع‌الاول مطابق ۷ آوریل ۱۹۱۰ [ ۱۷ فروردین ۱۲۸۹ ] به اطلاع آن جناب جلالت مآب رسانیده شد کابینه جدید به محض تشکیل شدن در مرامنامه خود که تقدیم به مجلس نموده‌اند این مسئله را قید کرده‌اند که یک قسمت از مساعده و استقراض که تحصیل آنها را در نظر داشته به مصرف تکمیل امنیت طرق برسانند لهذا وزیر مالیه و وزیر خارجه آن روز با جنابعالی راجع به یک مساعده و استقراضی داخل مذاکره شده‌اند. مراسله جنابعالی مورخه ۵ صفر ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ فوریه ۱۹۱۰ [ ۲۷ بهمن ۱۲۸۸ ] که در جواب اهتمامات و تقاضای دولت ایران ارسال شده بود مشتمل بر شرایطی بود که دولت متبوعه آن جناب برای دادن مختصر مساعده پیشنهاد کرده بود. آنچنان شرایطی که قبولی آنها مخالف با استقلال مملکت که حفظ آن از وظایف اولیه هر دولتی است می‌بود.

نظر به این ملاحظات دولت ایران برای تحصیل پول درصدد وسایل دیگر برآمده

در این اثناء مراسله آن جناب جلالت مآب مورخه ۲ ربیع الاول ۱۳۲۸ مطابق ۱۶ مارس ۱۹۱۰ [۲۵ اسفند ۱۲۸۸] راجع به سندیکای بین‌المللی اسباب مذاکرات و مبادلات مراسلاتی گردید که در تحصیل وجه لازم برای تکمیل امنیت راهها تأخیر حاصل شده و در همان ضمن علاوه بر آنکه آن مذاکرات و مبادله مراسلات فوق‌الذکر باعث اشتغال خاطر دولت ایران گردید خیالاتی در مردم تولید نمود که نتیجه آن به مرور زمان منتهی به اوضاعی گردید که در مراسله جدید آن جناب جلالت مآب ذکر و اشاره شده است.

با وجود این مراتب یقین دارم که خاطر نصفت مظاهر آن جناب تصدیق خواهد نمود که اگر دولت جدید از ابتدای امر برای تحصیل وجه با چنین اشکالات مواجه نمی‌شد حفظ انتظام و امنیت کامل برای این دولت خیلی سهل‌تر از حالیه می‌بود. با این احوال دولت ایران هیچ‌آنی از این مقصود و منظور منحرف و منصرف نشده و برای نیل به آن وسایل ذیل را به‌جهت تهیه وجه در تحت ملاحظه دارند:

اولاً مشغول مذاکره با یک شرکتی هستند که قروض مستقبلی خود را به بانک شاهنشاهی تبدیل به قرض دیگر با منافع کمتر بنمایند و دولت ایران را عقیده بر آن است که به این وسیله مبلغی به دست خواهد آورد که بتواند به تحریکات و افساد کاملاً خاتمه دهد.

وثیقه و ضمانتی که دولت ایران برای این قرض به نظر دارند همان وثیقه‌ای است که برای قروض خود به بانک شاهنشاهی می‌دادند به این معنی که از عایدات گمرکات جنوبی خواهد بود. بدین ترتیب به محل تأمینات سایر قروض ایران به‌هیچ‌وجه تحمیلی وارد نمی‌شود.

نظر به اشتیاق و اضطرابی که دولت ایران در خصوص استقرار امنیت عاجل در شاهراههای تجارتی دارد خیلی به موقع و مناسب می‌دانند که قسمت عمده مخارجی که برای تکمیل امنیت طرق لازم است از پولی که به وسیله این معامله حاصل می‌شود تهیه شود و به دولت فخریه انگلیس اطمینان می‌دهد که این اقدام و معامله مایه اثر نامناسبی نسبت به قرض هند (۱۹۰۴) نخواهد نمود.

با این ترتیب دولت ایران اعتماد و اطمینان کامل دارد که دولت اعلیحضرتی انگلستان نظر به میل و اشتیاقشان به توسعه تجارت با این معامله که دولت ایران برای آن مقصود در نظر گرفته مساعد خواهد بود.

به همچنین لازم می‌دانم که نظر جنابعالی را معطوف به این مسئله نسایم که چون دولت ایران هر ساله نمی‌تواند تهیه لوازم خود را به وسیله قروض متوالیه نمایند، لهذا باید برای رفع هر احتیاجی منبع عایدات مخصوص تهیه و معین شود و بهترین منبع عایدی که حالیه در تحت مقتضیات فعلیه ایران می‌شود حاصل کرد که لااقل یک قسمت از سرمایه‌ای که برای تأسیس ژاندارمری لازم است فراهم نماید همان ارائه طریق و اشاره‌ای است که در مراسله اخیر جنابعالی راجع به افزایش

صد ده به عایدات گمرکی مذکور و مندرج شده ولی چون پیشنهاد مندرجه در مراسله فوق‌الذکر مخالف با استقلال محقق مملکت و منافعی با روابط دوستانه و ودادی که تاکنون بین دولتین موجود بوده می‌باشد دولت ایران هرگز و در هیچ صورتی نمی‌تواند به آن پیشنهاد رضایت و موافقت دهد لیکن نظر به اینکه از طرف دیگر دولت ایران اهمیت مخصوص به تشویش و نگرانی دولت اعلیحضرتی انگلستان در خصوص شاهراههای تجارتی می‌دهد و بنا بر اینکه دولت ایران حفظ استقلال خویش را با رفع نگرانی دولت اعلیحضرتی توأم می‌داند لهذا چنین صلاح و صواب می‌پندارد که این اضافه صد ده را دولت ایران خود از گمرکات جمع‌آوری نموده و به مصرف تکمیل امنیت لازم برساند.

بناء علی‌هذا دولت علیه ایران به توسط جنابعالی از دولت اعلیحضرتی انگلستان تمنی می‌نماید که برای اجرای این منظور و نیل به این مقصود تقویت و مساعدت خود را مبذول دارند و نظر به اینکه این تمنای دولت ایران برای توسعه تجارت کرده شده و انجام آن برای حفظ همان امنیتی که جنابعالی ذکر کرده‌اید لازم است لهذا در پذیرفتن این تمنی باید عجله شود.

قبل از اختتام مراسله برای ثبوت این مسئله که به تجارت نکث و خسارتی وارد نشده دقت نظر دولت متبوعه آن جناب جلالت‌مآب را به ترقی فوق‌العاده عایدات گمرکات جنوبی معطوف می‌سازم بدون اینکه بکلی منکر شوم که در این اواخر بعضی اغتشاشات و موانع در راه و وسایل تجارت بین ایران و انگلستان بوده است. به نظر دوستدار چنانچه از صورت استاتیسٹیک<sup>۱</sup> عایدات گمرکی هم معلوم می‌شود حقیقتاً هیچ خسارت تجارتی به اتباع انگلیس وارد نشده در صورتی که از طرف دیگر صد هزار تومان اضافه که در عایدات گمرک عربستان<sup>۲</sup> در سنه ماضیه تخاقوی<sup>۳</sup> نیل<sup>۴</sup> نسبت به سنه ماقبل حاصل شده و همچنین ترقی فوق‌العاده که در عایدات هذه السنه مشاهده می‌شود بطور قطعی ثابت می‌نماید که تجارت جنوبی فقط از مجری و مسیر معمولی خود موقتاً منحرف شده.

بعلاوه در کلیه واردات تجارتی ایران در سنه ماضیه نسبت به سنه قبل یعنی پیچی نیل<sup>۴</sup> (۱۹۰۸-۱۹۰۹) صدی نوزده اضافه حاصل شده و در پنج ماه هذاه سنه اضافه به صدی بیست بالغ شده.

نظر به مراتب فوق‌الذکر عقیده دولت ایران بر این است که اتباع خارجه هیچ حق شکایتی نسبت به تجارتشان با ایران ندارند.

حسینقلی

(۱) استاتیسٹیک = آمار.

(۲) عربستان = منظور خطه خوزستان است.

(۳) تخاقوی نیل = سال مرغ (به تقویم ترکی که بیشتر در ایران بکار می‌رفت). - م.

(۴) پیچی نیل = سال میمون (تقویم ترکی). - م.



## نمره - ۲۰۰

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ نوامبر)

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۰ آبان ۱۲۸۹؛ ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]

راجع به تلگراف من مورخه ۹ نوامبر

اطلاعات واصله دیگر مشعراند بر اینکه فقط يك قسمت از قافله قنسول روس گرفتار سارقین شده‌اند. خود قنسول با قزاقهایش سارقین را تعاقب نموده و اموال مسروقه را پس گرفته‌اند.

## نمره - ۲۰۱

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۲ نوامبر)

طهران ۱۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۰ آبان ۱۲۸۹؛ ۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]

از قرار مسموع کمیونی که جدیداً برای مذاکره اغتشاشات جنوب ایران تشکیل

شده است صلاحیت استخدام عدة معینی از سوئدیها را برای تشکیل و تنظیم امنیه راهبا در تحت ملاحظه دارد.

دیروز سردار اسعد به دیدن من آمد و تقاضا نمود که به مهلت سه ماهه اولتیماتوم افزوده شود. در جواب من به ایشان اطلاع دادم تا اینکه دولت ایران اقدامات مؤثره مفیده برای رفع اغتشاشات طرق بطوری ننمایند که جلب رضایت خاطر دولت اعلیحضرتی انگلستان بشود من نمی‌توانم امید داشته باشم که اجرای نقشه منظوره بعهدۀ تعویق افتد لهذا اگر دولت ایران طرح و نقشه‌ای بریزد که در نظر دولت اعلیحضرتی انگلستان پسندیده و حاوی احتمال حصول نتیجه منظوره باشد موافق صلاح و نفع خود اقدام نموده است.

## نمره - ۲۰۲

تلگراف سر ادوارد گری به سر جرج بارکلی

وزارت خارجه ۱۴ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۲ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۱ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]

رجوع به تلگراف ۱۴ نوامبر خودتان بنمایید.

هر اراده و قصدی که دولت ایران در استخدام صاحب‌منصبان از مملکت کوچکی برای تنظیم قوه امنیه منظوره اظهار و ابراز نماید باید به منزله علامت جدیت و میل صمیمی آن دولت به تعمیر و اصلاح امور دانست ولیکن ما باید این حق را برای خود محفوظ داریم که در هر لحظه که لازم بدانیم صاحب‌منصبان انگلیس و هند به کار برده شوند.

## نمره - ۲۰۳

مراسله سر جرج بارکلی (واصله ۲۱ نوامبر)  
 طهران ۲ نوامبر ۱۹۱۰ [۱۰ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۹ شوال ۱۳۲۸]  
 آقا

خلاصه ماهیانه را که با کمال تأسف اوضاع اغتشاش و هرج و مرج را تاریکتر از آنچه در مراسله ۶ اکتبر راپورت داده بودم تصویر می‌نماید لفا با کمال افتخار تقدیم می‌دارم:

در جنوب بر وزارت جدید که قابل ذکر بوده باشد وقوع شورش است در شیراز - و تهدید یورش به لنگه که مستلزم پیاده کردن صد و شصت سرباز بحری انگلیس و چهار عراده توپ گردیده و دیگر بروز اغتشاشات در مجاورت بندرعباس و تهدید بلوچها در تهاجم و حمله به نرماشیر.

وضع راه پستی بین بوشهر و شیراز بدتر از هر موقعی است چنانچه این راه و راه بین شیراز و اصفهان برای تردد قوافل بکلی مسدوداند.

حتی راه بختیاری از اهواز به اصفهان که تاکنون امن بوده است معرض چندین فقره دزدی شده و از قرار راپورت مرتکبین این سرقتها بختیاری و کمپلویه [کمپلویه] بوده است.

در شمال اغتشاش و اتفاقی که بیش از همه جالب اهمیت بوده جنگ کاشان بوده است ولی این جنگ خوشبختانه خاتمه پذیرفته و نایب حسین فرار کرده است. و اما در خصوص سایر موارد اغتشاش در قراچه داغ مذکور است که پسر رحیم خان شکست خورده است ولی از قرار اظهار وزیرمختار روس محال شاهسون از تحت قدرت و اختیار دولت خارج است و همچنین مازندران را می‌توان از حدود قدرت دولت خارج دانست زیرا که در آنجا بنا بر راپورت امیرمکرم و رشیدالسلطان قشون دولت را مغلوب کرده‌اند.

در طهران مطالبی که مخصوصاً قابل مذاکره باشند از این قرار است - مذاکرات راجع به استقراض - و تسلیم مراسله ما راجع به راههای تجارتی جنوبی در تاریخ ۵ اکتبر - و دیگر تغییرات جدید در کابینه.

بنده... جرج بارکلی

## ملفوفه در نمره ۲۰۳

## خلاصه وقایع ایران در ماه اکتبر ۱۹۱۰

## طهران

در تاریخ ۱۴ اکتبر راجع به اغتشاشات طرق جنوبی مراسله‌ای به دولت ایران داده شد جواب آن مراسله در تاریخ ۲۲ واصل گردید.

کابینه وزراء در تاریخ ۳۰ اکتبر مجدداً تشکیل شد و اعضاء آن فعلاً از قرار

ذیل‌اند:

رئیس الوزراء	مستوفی الممالک (بدون تغییر)
وزیر داخله	شاهزاده عین الدوله
وزیر جنگ	شاهزاده فرمانفرما
وزیر مالیه	صنیع الدوله
وزیر عدلیه	محتشم السلطنه
وزیر خارجه	حسینقلی خان (بدون تغییر)
وزیر پست و تلگراف	شاهزاده اسدالله میرزا (بدون تغییر)
وزیر علوم	معین نشده
کمیسیون وزارت خارجه مجلس در تاریخ ۱۳ اکتبر مجدداً از قرار ذیل انتخاب و تشکیل شد:	
مشیر الدوله	
مؤتمن الملک	
صنیع الدوله	
مستشار الدوله	
بمناز الدوله	
معزز الملک	

#### تبریز

در تاریخ ۲۴ اکتبر ویس قنصل دولت اعلیحضرتی راپورت داد که پسر رحیم خان با هزار و پانصد نفر در قراجه داغ مشغول اغتشاش اند و در نزدیکی اهر به فشون حکومت هجوم برده اند ولی بنا بر راپورت بعد مشارالیه شکسته خورده است.

#### مشهد

اوضاع بدون تغییر باقی است. رئیس نظمیه در تاریخ اول اکتبر منفصل شده است و در تاریخ ۳ به طرف تهران حرکت نمود. محالات طبس و تربت از قرار راپورت بعلت وجود دستجات دزد در حالت مغشوشی هستند، ظهیرالسلطان مشغول کفالت حکمرانی است.

#### سیستان

وضع طرق در اواسط ماه سپتامبر خوب و رضایت بخش نبوده.

#### اصفهان

در تاریخ ۱۰ اکتبر معتمد خاقان بجای سردار اشجع بختیاری به حکومت اصفهان منصوب گردید. حکومت جدید ظاهراً خیلی مایل است که با قنصل جنرال دولت اعلیحضرتی روابط و مناسبات دوستانه صمیمانه پیروزانند. آقا نورالله از اصفهان

به طرف کربلاء حرکت نمود. يك نمايش ظاهري کرده شد بر اينکه مشارالیه را از رفتن ممانعت نمایند. چندین نفر از معاریف از شهر بیرون رفته که ایشان را عودت دهند ولی کلیتاً همچو معلوم می‌شود که عزیمت ایشان موجب رضایت اهالی است.

طرق کرمانشاهان و یزد در امنیت باقی بوده‌اند ولی راه شیراز از آباده به واسطه دستجات اشرار غارتگر بکلی مسدود است. مذکور است که اینها منتظر يك نفر اروپایی هستند که در عوض اشخاصی که مستحفظین مستر بیل به قتل رسانیده‌اند کشته و انتقام بکشند.

راه طهران خیلی مغشوش بوده است. پستها را دزد زده و ذهاب و ایابشان به تعویق می‌افتد. اغلب این دزدیها را نسبت به اتباع نایب حسین و بختیاریهامی دهند. چندین نفر اروپایی به علت اغتشاش این راه در اصفهان معطل مانده‌اند ولی دو نفر مسافر انگلیسی از طهران به سلامت به اصفهان رسیدند.

راه اهواز تا ۲۶ اکتبر کاملاً امن بود ولی از آن تاریخ دو فقره دزدی بزرگ راپورت شده است.

اداره پست اصفهان به واسطه مسدود ماندن راه شیراز چنین قرار داده‌اند که پست از راه اهواز به ناصری برود به این ترتیب که هفته‌ای يك پست حرکت کنند و فاصله اصفهان به ناصری را از ۱۲ الی ۱۴ روز به پیمایند.

در اوایل اکتبر اکثر رؤسای عمده بختیاری در اصفهان جمع شده‌اند و با خود قریب هزار سوار داشته‌اند. قرار کلی اصلاح داده شد و پس از آن تصمیم عزم نمودند که تماماً به طهران رهسپار شوند و قصدشان این است که پس از یکسره کردن کار نایب حسین در کاشان اجماعاً به طهران بروند.

### کاشان

در اوایل اکتبر نایب حسین و انتظام‌الملک با اتباعشان در اردستان بوده‌اند چندین دفعه به دولت اظهار رغبت به تسلیم شدن با شرایط معینی نمودند ولی دولت هیچ شرطی را نمی‌پذیرفت و تسلیم بی‌شرط را می‌خواست. پس از آن آنها به طرف کاشان حرکت نموده و در تاریخ ۱۷ اکتبر وارد آن شهر شدند. اهالی آنها را پذیرفته و خیرمقدم گفته لکن عده‌ای از اهل کاشان به محض استماع خبر مراجعت نایب حسین به قم فرار نمودند. نایب اعلاناتی در کاشان نصب و منتشر نمود که نسبت به هیچ کس صدمه و آزاری نخواهند کرد و احدی از او در خوف و وحشت نباشند.

در تاریخ ۹ قوای بختیاری در تحت فرمان امیرمفخم و سردار ظفر از اصفهان به طرف کاشان عزیمت نموده و روز بعد سایر خوانین و اتباعشان به دنبالش آنها رهسپار شدند.

در تاریخ ۱۱ اهالی کاشان تلگرافاتی به طهران مخابره نمودند و تقاضای استخلاص پسر نایب حسین را کردند و نایب حسین اعلام داشت که اگر جواب رضایت بخش به این درخواست نرسد مجبور به بعضی اقدامات خیلی سخت خواهد گردید.

مشارالیه چندین از عمارات و دروازه‌های شهر را سنگربندی نموده و بنا بر اطلاق واصله هزار و دویست نفر استعداد جنگجو که اکثر آنها سوارند با خود داشته از جمله عماراتی که اتباع نایب سنگربندی کرده‌اند بنایی است که اداره تلگراف هند و اروپا و تلگرافخانه ایران مشترکاً در آنجا واقعند.

در تاریخ ۱۲ صد و هشتاد بار از امتع‌ای که برای کمپانیهای اروپایی به طهران حمل می‌شدند وارد کاشان شدند و اتباع نایب حسین به محض اینکه دانستند که آنها برای اروپاییها حمل می‌شوند بکلی غارت کرده‌اند.

قسمتی از قوای بختیاری در تاریخ ۱۳ وارد شده و در همان روز جنگ و جدال شروع گردید. در مدت شب نایره جدال مشتعل تیراندازی و شلیک در کار بوده و بختیاریها در مرتبه حمله و اهتمام کردند که سنگری بگیرند ولی اتباع نایب آنها را عقب نشانیده و چهار نفر از آنها را به قتل رسانده‌اند.

در تاریخ ۱۴ امیرمفخم با پانصد نفر بختیاری دیگر وارد شده و در همان شب محله پشت مشهد که از محلات شهر است از دست اتباع نایب حسین گرفته شد. نایب مجدداً کوشش نمود که آن محله را پس بگیرند ولی مغلوب گردید و به مقصود نایل نگردید. از قرار مذکور از طرف بختیاری ده االی بیست نفر که از جمله آنها چندین نفر از خانواده‌های جوان بوده‌اند مقتول شده‌اند.

تلگراف فوری از راه قم به طهران فرستادند و اعزام طبیب و جراح را تقاضا نمودند.

از قرار راپورت امیر مفخم مایل به توپ بستن به شهر و اتلاف نفوس زنها و اطفال نبوده است. عقیده‌اش این بود که نایب حسین را عفو نمایند و خدمتی در کاشان به او رجوع کنند.

از دولت به مشارالیه چنین تعلیمات رسید که حتی المقدور به اهالی کاشان صدمه وارد نیاورند و تمام آتش جدال را به سر نایب و اتباعش بریزند. بعضی بختیاریها اسبهای چاپارخانه را از چندین منزل راه اصفهان برده‌اند ولیکن بعدها پس دادند.

در تاریخ ۲۳ پسر نایب حسین پیغامی به تلگرافچی کاشان فرستاده بدین مفاد که قبل از فرار کردن از کاشان برای اینکه جلب دقت و توجه سفارت انگلیس را بنمایم تلگرافخانه و هر قدر از خط تلگراف را که بتوانم خراب و منهدم خواهم نمود. تلگراف سختی از وزیر مختار دولت اعلیحضرتی به مشارالیه فرستاده شد و به او اخطار و تهدید نمودند که از این اقدام احتراز کند.

در تاریخ ۲۶ بختیاریها دو حمله عظیم دیگر برای گرفتن سنگرهای دشمن بردند ولی عقب نشانده شدند. خوانین بختیاری يك مرتبه دیگر کسب تکلیف و اجازه برای گلوله بستن به شهر نمودند. عده اتباع نایب حسین اکنون می‌گویند که به دو هزار و پانصد بالغ شده‌اند. از اصفهان و طهران کمک با توپخانه برای بختیاریها فرستاده شد و در تاریخ ۳۰ اکتبر [۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۶ شوال ۱۳۲۸]

گلوله‌باری به شهر شروع شد. در ساعت سه بعد از نصف شب ۳۱ اکتبر [۸ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۷ شوال ۱۳۲۸] نایب حسین با جمعیتی که می‌گویند سیصد نفر است از کاشان فرار نموده است. قوایی از بختیاری از قرار مذکور به تعاقب مشارائیه رفته‌اند و اکنون شهر در تصرف بختیاری است.

#### سلطان آباد

منتصرالدوله که اخیراً حاکم بروجرد بوده و معلوم می‌شود از مقر مأموریت خود فرار کرده در تاریخ ۹ وارد سلطان‌آباد شد و در تاریخ ۱۴ از آنجا به طرف قم حرکت نمود و مسافرت خود را حتی‌المقدور مخفیانه و محرمانه می‌نماید. اوار مجدداً مشغول غارت محال سرزند شده و تمام طرق ناامن‌اند. پست کرمانشاه را در تاریخ ۱۵ اکتبر در نزدیکی قم الوار سرقت نمودند.

#### یزد

حاکم کماکان مشغول تعدی و گرفتن پول از مردم بوده و به واسطه سوءرفتارش با رؤسای ادارات مختلفه کار ادارات به کلی تعطیل است. رئیس عدلیه درب عدلیه را بسته و در تلگرافخانه انگلیس متحصن شده ولی بالاخره راضی شد که از آنجا خارج شود. رئیس نظمیه را نیز حکمران علناً شتم و توهین نمود. اهالی دو مرتبه تلگرافات به طهران کرده و از حکمران شکایت و تظلم نمودند ولی چون جوابی در ترضیه آنها نرسید در تاریخ ۱۳ و ۱۴ اکتبر بعضی نمایشها بر ضد عوارض محلی تشکیل دادند، درب انجمن ولایتی را سوزانده و به رئیس پلیس تیر انداختند و مشارائیه فرار نموده و بازارها بسته شد. راه یزد و نائین و یزد و مشهد از قرار راپورت امن‌اند ولی راههای شیراز و کرمان به کلی مسدوداند. در راه کرمان چند دسته کوچک از سارقین باعث اغتشاش راه شده و حرکت پست به کرمان به واسطه فقدان اسبهای چاپارخانه به کلی از ترتیب و نظم افتاده است و پست را حمل الاغ می‌کنند. سواران بختیاری در موقعی که از کرمان مراجعت می‌کردند از قرار راپورت در راه غارت فراوان نموده‌اند.

کسب و تجارت به کلی در توقیف و تعطیل است و قیمت اجناس در یزد ترقی زیاد نموده. در چندین مورد اشخاص از ظلم و ستم مأمورین محلی تمنای بست و حمایت از تلگرافخانه‌های واقعه در یزد و مجاورت آن نموده‌اند ولی به متحصنین اطلاع داده شد که دولت اعلیحضرتی انگلستان در امور داخلی ایران نمی‌تواند مداخله نماید.

#### کرمانشاه

در اوایل اکتبر و با در این شهر بروز نموده در خود شهر و اطراف منتشر گردید.

حکمران و مأمورین عمدۀ دیگر و قشون ساخلو و قریب چهار خمس از اهالی از شهر فرار کردند و در تاریخ ۱۶ اکتبر کسب و کار در تعطیل بوده و یک حالت وحشتی اهالی را فراگرفته بوده است. فقط قشونی که در شهر باقی مانده بود ۳۰ قزاق ایرانی مستحفظین حکومت بوده. در تاریخ ۲۰ اکتبر [۲۷ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۶ شوال ۱۳۲۸] از قرار راپورت جنگی در نزدیکی قصر شیرین بین ایلات سنجابی و کلهر واقع شده حبیب‌الله خان پسر رئیس سابق سنجابی از داودخان استعدادی گرفته و به صمصام‌الممالک حمله برده ولی با تلفات زیاد مغلوب و جلوگیری شد. پس از آن به عزم افزودن به استعداد خود مراجعت نموده است. ضمناً از حکومت کرمانشاه به نایب‌الحکومه کردند تعلیمات داده شده که صمصام‌الممالک را تقویت نماید.

### کرمان

ارضاع کماکان بی‌تغییر است.

در تاریخ ۲۱ اکتبر [۲۸ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۷ شوال ۱۳۲۸] خبر رسید که قوایی از بلوچها در تحت فرمان جبهیند و محمدرضاخان به قصد غارت نرماشی [= نرماشیر] به طرف فهرج تاخت می‌آورند. در تاریخ ۲۶ این استعداد که از قرار مذکور ۱۵۰۰ نفر بوده‌اند بنا بر راپورت در ۲۰ میلی فهرج رسیده و در آنجا حکومت ۶۰۰ نفر استعداد برای مخالفت و ممانعت آنها تجهیز و تهیه نموده بود. بلوچها تا ۸ میلی فهرج آمده ولی از آنجا به جانب بم منحرف شدند. ظاهراً از یورش به نرماشی [= نرماشیر] ترسیدند.

### شیراز

فارس هنوز بی فرمانفرما است ولی قوام‌الملک نایب‌الحکومه ظاهراً تا ۳۰ اکتبر در شهر انتظام را حفظ نموده است. در تاریخ ۲۹ صولت‌الدوله در نزدیکی شیراز نزول نموده اول صبح ۳۰ اکتبر دو هواخواهانش یعنی نصیرالملک و بهاء‌السلطنه برای ملاقات او از شهر بیرون رفتند. فوراً پس از عزیمت آنها اجماعی از مردم در دارالحکومه ریخته و نعش دختر مسلمانی را که مدعی بوده‌اند یهودیها کشته‌اند عرضه داشتند. پس از آن شورشیان اداره عدلیه را غارت کرده و هرچه بود من جمله اسناد اداره‌ای خراب کرده و بردند. حتی اینکه خود قوام‌الملک را تهدید نمودند ولی مشارالیه آنها را از جلو راند. بعد از آن شورشیان به محلات یهودی یورش برده سربازانی که برای حفظ آن محله فرستاده شدند در غارت با شورشیان شرکت نموده‌اند. عده‌ای از قشقاییها نیز در آن وقت به آنها ملحق شده و بیش از همه خسارت وارد آوردند. خلاصه تمام محله معرض غارت گردید و ۱۱ نفر یهودی مقتول ۱۵ نفر مجروح شدند. تمام خانه‌ها بکلی غارت و یغما شدند. کلیه جمعیت یهود که ۵۰۰۰ نفر می‌شوند از فقیر و غنی حالیه مطلقاً بیچاره و مستأصل‌اند. مستر اسمارت که بعد از بازدید محله یهودیها اینس رقایع را راپورت داده با

مأمورین محلی دفتر اعانه‌ای برای رعایت و استخلاص آنها ترتیب داده است. چنین راپورت رسیده که بدون شك این شورش را صولت‌الدوله به وسیله نصیرالملک و بهاء‌السلطنه تحریک کرده برای اینکه دولت را مجبور نماید به خود صولت‌الدوله اختیارات تامه داده و قوامیها را خلع نمایند.

به قشون ساخلوی شیراز حقوق نرسیده و ناراضی‌اند از جمله آنها قزاقهای ایرانی و سواره عرب می‌باشند. قوامیها فقط ۴۰۰ نفر قشون مطیع دارند. عقیده بر آن است که اگر به صولت‌الدوله به سختی نصیحت و ملامت شود و نصرالدوله را از شیراز خارج کنند و حکومت شهر را نظامی نمایند در اوضاع بهبودی حاصل خواهد شد و اگر این کار نشود انتظار وقوع اغتشاشات دیگر می‌رود.

راههای فارس خیلی ناامن و مغشوشند و تردد تجارت مطلقاً معطل و معوق است. خسارت زیادی به خط تلگراف وارد شده بخصوص در نزدیکی دشت ارژن و کازرون. مأمورینی که برای تعمیر سیم بیرون رفته‌اند معرض سرقت و بد رفتاری شدند.

نقاط بین اصفهان و شیراز دچار تاخت و تاز و غارتگری بویراحمدی و کمپلویه [= کمپلویه] و لشنی هستند و به بسیاری از قراء صدمات و خسارت وارد آورده‌اند.

### خلیج فارس

#### بوشهر

کلنل «کاکس» تلگرافاً [= تلگرافی] در تاریخ ۳۰ اکتبر [۷ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۶ شوال ۱۳۲۸] راپورت می‌دهد که تنگستانها در جنبش و اغتشاش‌اند و صولت‌الدوله اهتمامی داشته که بعضی از رؤسای آنجا را وادار کند که از طرف او در حکومت بوشهر مداخله نمایند.

نظر به وضع مغشوش طرق، اداره پست، پست طهران را از راه بغداد یا اهواز می‌فرستند.

جد و جهد حکومت برای اینکه بندر دلووار تنگستان را در تحت اختیار خود درآورد نتیجه نبخشید. گمرکخانه‌های آنجا را مسدود و واردات و صادرات آن بندر را بوقوف نموده‌اند.

#### بندرعباس

در اوایل اکتبر قریب ۵۰۰ نفر دزد از لار حرکت کرده و محال بندرعباس را احاطه نموده و تمام قوافل و قراء را تا حدود شهر غارت کردند. مأمورین محلی از جلوگیری یا تعاقب آنها عاجز بوده‌اند. اموال غارت شده شامل امتعه انگلیس معادل ۳۳۰۰ لیره بوده است.



## لنگه

در تاریخ ۲۲ اکتبر ۱۹۱۰ [۲۹ مهر ۱۲۸۹؛ ۱۸ شوال ۱۳۲۸] ویس قنسول دولت اعلیحضرتی خبر داد که غارتگر معروف غلامحسین خان وراوی<sup>۱</sup> در نزدیکی بستک با جمعیت زیادی به لنگه تاخت می آورده و ویس قنسول مشارالیه آمدن کشتی جنگی را تقاضا و تصویب نموده لهذا کشتی موسوم به «فکس» با صاحب منصب ارشد بحری در ۲۴ وارد در نزدیکی بندر لنگه شد.

در تاریخ ۲۵ وزیرمختار دولت فخمیه اجازه داد که استعداد کافی از کشتی به خشکی نشینند که جان و مال اتباع خارجه را در صورت وقوع تهاجم حفظ و حمایت نمایند. ضمناً صاحب منصب بحری بنابر تعلیمات «کلنل کاکس» به غلامحسین خان پیغام فرستاده و مشارالیه را از آمدن لنگه تخویف و تهدید نموده.

در تاریخ ۲۵ غارتگران که ۳۰۰۰ جنگجو بوده اند از قرار راپورت در فاصله دو روز راه در مغرب جبل ترنجه بوده اند. این اردوی اشراک ترکیب و اختلاطی بود از سه سرکرده محال «قلدر» «اسکانو» و «وراوی» با اتباعشان. در تاریخ ۲۷ استعداد حکومتی از لنگه برای جلوگیری متهاجمین فرستاده شد و از قرار راپورت از آنها شکست خوردند لهذا ۱۶۰ سرباز بحرو انگلیس با چهار عراده توپ از کشتی «فکس» پیاده شدند و به صاحب منصب ارشد بحری اجازه داده شد که برای جلوگیری و مسانعت غارتگران از دخول به شهر اقدامات لازمه را بنمایند. در تاریخ ۲۹ اکتبر [۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۲۵ شوال ۱۳۲۸] خبر رسید که شیخ نزقور (نزقور محلی است) در «شیورع» ۸۰۰ نفر به کشتی نشانده که به بندر لنگه هجوم آورد لهذا کشتی اعلیحضرتی موسوم به «اوین» برای دفع و رفع آنها فرستاده شد. قایقهای شیخ مزبور در تاریخ ۲۹ «جیزغه» و «نخیله» را غارت نموده و در تاریخ ۳۰ اتباع شیخ به خشکی نشستند و به اردوی وراوی ملحق شده و بر «مرنج» حمله بردند. کشتی اعلیحضرتی «اوین» سه کشتیهای بادی آنها را در نزدیکی «جیزغه» یافته به محض اینکه قایقی از کشتی انگلیس به طرف آنها فرستاده شد اشخاصی که در آنها بودند به ساحل فرار کرده و به طرف «اوین» تیر باریده در کشتیهای آنها اسراء و غارت زیادی که از دهات آورده بودند موجود بود. چهار اعلیحضرتی قایقهای آنها را بنا بر اینکه برای دزدی استعمال می شدند منهدم نموده اسراء و غارتمها را به نقاط اصلی خود عودت دادند.

## اهواز

در مدت ماه سپتامبر ظاهراً نظم در شوشتر باقی بوده و قوای نظمیه در حال تشکیل شدن است. راه دزفول و شوشتر که در قسمت اول ماه به واسطه ایل سگوند مغشوش و ناامن بود بنابر راپورت در آخر سپتامبر امن و منظم شده است.

(۱) اصل: دراوی.

(۲) ظاهراً باید «شیوع» باشد که بندری است نزدیک لنگه. - م.

## نمره - ۲۰۴

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۷ دسامبر)  
 از طهران ۷ دسامبر ۱۹۱۰ [۱۵ آذر ۱۲۸۹؛ ۴ ذی‌حجه ۱۳۲۸]  
 مسئله استقراض از بانک شاهنشاهی دیروز اولین دفعه‌ای بود که مجلس علناً  
 آن را مطرح بحث نمود. از طرف فرقه مخالفین مخالفت معتنا به در این موضوع  
 بروز داده شد. کابینه جد و اصرار داشتند بر اینکه برای مصرف صحیح پول باید  
 ضمانت و اطمینان رضایت‌بخشی در دست باشد و برای این مقصود کابینه اعلام  
 داشت که کمیسیون کنترلی که شامل چند نفر اروپایی باشد تشکیل خواهد شد.  
 بالاخره مباحثه این مسئله به تعویق افتاد.

## نمره - ۲۰۵

تلگراف سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۵ دسامبر)  
 طهران ۱۵ دسامبر ۱۹۱۰ [۲۳ آذر ۱۲۸۹؛ ۱۲ ذی‌حجه ۱۳۲۸]  
 وزیر امور خارجه به من خبر می‌دهد که نایب‌السلطنه از پاریس به هیئت وزراء  
 و مجلس تلگراف کرده که عاجلاً به طرف ایران حرکت خواهد نمود.

## نمره - ۲۰۶

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)  
 طهران ۱۸ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۶ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۵ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
 آقا  
 راجع به مراسله ۲۹ ماه گذشته من که جواب دولت ایران را به مراسله ۱۴  
 اکتبر خودمان در لف آن فرستاده بودم اینک با کمال افتخار سواد مراسله‌ای را که بر  
 طبق تعلیمات جنابعالی در تاریخ ۱۷ شهر حال راجع به اعاده انتظام در راه بوشهر  
 و اصفهان به دولت ایران نوشته‌ام لفاً تقدیم می‌دارم.  
 بنده... بارکلی

## ملفوقه در نمره ۲۰۶

مراسله سر جرج بارکلی به دولت ایران  
 طهران ۱۷ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۵ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
 آقای وزیر

وصول مراسله مورخه ۲۱ شهر ماضی جنابعالی را با کمال افتخار اطلاع می‌دهم.  
 در جواب این مراسله من اشاره و ذکر در خصوص اظهارات جنابعالی راجع  
 به حضور قشون خارجه در ایران نمی‌نمایم زیرا که به نظر دوستدار این اظهارات

با موضوعی که عجالتاً بالخاصه مربوطم یعنی به تهاجمات و غارتگریهای ایلات در طرق تجارته جنوبی ربطی ندارد.

جنابعالی اشاره به ترقی در کلیه تجارت ایران در سنه تخاقوی ثیل (۱۹۰۹-۱۹۱۰) نسبت به سنه ماقبل (۱۹۰۸ الی ۱۹۰۹) نموده و همچنین به ترقی و افزایشی که در پنج ماه هذه السنه مشهود است متذکر گردیده‌اید ولی لازم است که دوستان خاطر نشان جنابعالی نمایم که ترقی عایدات (۱۹۰۹ انسی ۱۰) چنانچه در صورت عایدات گمرک مشاهده می‌شود راجع به شمال بوده نه به جنوب مخصوصاً این مسئله ملاحظه می‌شود که عایدات بوشهر در سال گذشته خیلی کمتر از سنه ماقبل بوده و همچنین در سنه (۱۹۰۹ الی ۱۰) از سال ماقبل خود خیلی کمتر بوده و اما در خصوص ترقی ۵ ماه هذه السنه صحیح است که گمرکات جنوبی در این افزایش دخالت و شرکت داشتند ولی باید این مسئله را بخاطر آورد که محصول امسال بطور استثناء خوب و فراوان بوده و ۵ ماه سال گذشته که طرف مقایسه آن است زمانی بوده که در این مدت بوشهر در تحت قدرت و استیلای سید مرتضی و اتباع تنگستانی‌اش بوده و نظر آن جناب جلالت‌مآب را معطوف به این مسئله می‌نمایم که با وجود این، در عایدات بوشهر فقط صدی دوازده ترقی حاصل شده.

بهر حال هرچه صورت استاتیستیکی تجارت ماههای گذشته بوده باشد این مطالب را انکار نمی‌توان کرد که بعضی طرق جنوبی بکلی مسدود و غیرقابل عبور بوده‌اند مخصوصاً این مسئله در مورد راه عمده تجارتی جنوب که بین بوشهر و اصفهان را اتصال می‌دهد صدق نموده محال و نواحی حدود ایالات فارس و اصفهان در يك حالت اغتشاش خارج از وصف و بیانی بوده ولیکن تردد تجارت بین بوشهر و شیراز اخیراً کاملاً در تعطیل نبوده و قوافل فقط از يك راه منحنی ناراحت نامتناسبی تردد نموده‌اند که در آن راه عبور مال التجاره مجبور به دادن عوارض و باجهای غیرمشروع جبری و منوط به اجازه و میل ایلخانی که در تحت اقتدار کامل دولت نمی‌باشد بوده است. حقیقتاً تا هنگامی که این هرج و مرج کنونی در این طرق جنوبی باقی است هیچ امید رواج و تجدید حیات متمادی تجارت نمی‌رود و به ملاحظه یافتن علاج برای این اوضاع ناگوار بوده که به جنابعالی نامه نگاشتم که آن علاج را در صورت امکان خود دولت ایران به موقع عمل گذارد ولی در صورت لزوم به کمک و معاونت صاحب‌منصبان انگلیسی که از قشون هندوستان به دولت ایران امانت دهند مقصود را حاصل نماید.

این مسئله را نمی‌شود قبول کرد که اقدامات فوق‌الذکر تجاوز و مداخله به حقوق و اختیارات سلطنتی ایران بوده باشد زیرا که صاحب منصبان مزبور که از قشون هند به امانت گرفته می‌شوند در تحت فرمان دولت ایران خدمت بعهدہ خواهند گرفت. اما در خصوص افزایش صد ده به حقوق گمرکی امتعه واردی که از گمرکخانه‌های جنوبی می‌گذرند لازم است که اظهار نمایم که دولت اعلیحضرتی انگلستان فقط به این تحمیل می‌توانند به شرط و در صورتی رضایت دهند که عایدات آن بطور صحت

و اطمینان به مصرف تأمین طرق تجارتي جنوبی رسانده شوند.  
نقشه و طرحی که دوستدار در مراسله مورخه چهاردهم اکتبر خودم برای  
تشکیل قوای امنیه ایرانی بوسیله صاحب‌منصبان انگلیسی پیش‌بینی کرده بودم برای  
ایفای آن شرط کافی است.

بنده... جرج بارکلی

### نمره - ۲۰۷

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)  
طهران ۲۰ نوامبر ۱۹۱۰ [۲۸ آبان ۱۲۸۹؛ ۱۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
آقا

اطلاعات به طهران رسید که چند هفته قبل در اسلامبول مجمعی منعقد شده و بر  
ضد اقدام و رفتار دولت انگلیس و روس در ایران پروتست نموده‌اند. کمی بعد  
از وصول این خبر در طهران اهتمامات کرده شد که نمایشی مشابه به آن تشکیل و  
فراهم نمایند. علی‌هذا اعلان متحدالمال بی‌امضایی طبع و زیاده منتشر گردیده و  
تمام وطن‌خواهان حقیقی را دعوت نموده که در تاریخ ۱۷ نوامبر [۲۵ آبان  
۱۲۸۹؛ ۱۴ ذی‌قعدة ۱۳۲۸] در میدان توپخانه حاضر شده که بر ضد حضور متمادی  
قشون روس و همچنین بر ضد مراسله دولت انگلیس راجع به اوضاع جنوب نمایشی  
کرده و پروتست نمایند.

در موقع معهود چند صد نفری جمع شده و مجتهد عمده افتتاح و شروع  
میتینگ را اعلام نمود و چندین نفر از ناطقین در خصوص تعدیاتی که مدعی‌اند  
نسبت به ایران شده اجماع حضار را خطاب کرده و نطقهای مفصلی کردند. ناطقین  
مختلف اقدامات دولت انگلیس و روس را چنین ذکر و وانمود کردند که متوجه تمام  
کردن و انهدام استقلال ایرانند و اظهار یقین کردند که مسلک و رفتار دولت  
انگلیس نسبت به این مملکت به هیچ‌وجه به حسیات خیرخواهانه و دوستانه ملت  
انگلیس نسبت به ایران اثری حادث نمی‌کند.

این میتینگ در اجماع مردمی که حضور داشتند و چندان اعتنایی به این مسائل  
نداشتند حرارت و حدت وطن‌پرستی زیادی احداث نمود و اگرچه روزنامه‌جات محلی  
کوشش و مبالغه نمودند که آن اقدام را يك نمایش ملی بزرگی جلوه دهند ولی  
ظاهراً هیچ نتیجه فوقیتی از این کار حاصل نگردید.

چندان شکی نیست که تمام این اقدام را رؤسای ارباب و اتباع جراید تشکیل  
و تأسیس نموده و شاید از طرف فرقه ملیون جنگجوی مجلس نیز آنها را تشویق و  
تشجیع کرده باشند زیرا که ملیون مشارالیهم اخیراً در پارلمان بسر ضد روس و  
انگلیس حملات سخت می‌برند و فریاد شکایت بی‌نهایت بلند می‌نمایند مخصوصاً از  
تاریخ طبع مراسله مورخه چهاردهم اکتبر من راجع به طرق جنوبی.

اشاراتی که در يك قسمت از مطبوعات اروپا کرده‌اند بر اینکه مراسله جدید ما مقدمه‌الجبیش تقسیم و تجزیه ایران به دست دولتین انگلیس و روس می‌باشد در این مملکت طرف توجه گردیده و مقالات مزبور کاملاً ترجمه و طبع شده و در بعضی موارد تنقیدات راجع به آنها بیش از آنچه در روزنامجات اروپا ظاهر گردیده مبالغه‌کارانه و گزاف‌گویی بودند.

مکتوب سربازی که از علمای عمده نجف به نمایندگان خسارجه مقیم طهران رسیده و در آن از مقاصد متعدیانه فرضی دولتین انگلیس و روس ملتجی و متکی به حسن عداوت‌خواهی و شرف‌دوستی آنها شده بودند نیز در روزنامجات طبع و نشر شده بود.

بنده... بارکلی

[www.adabestanekave.com](http://www.adabestanekave.com)

نمره - ۲۰۸

مراسله سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر) طهران ۳۰ نوامبر ۱۹۱۰ [۸ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۷ ذی‌قعدة ۱۳۲۸] آقا.

از تاریخ تسلیم مراسله ۱۴ اکتبر راجع به اغتشاشات طرق تجارتي جنوبی علائمی به نظر می‌رسد که دلالت دارند بر اینکه دولت ایران بالاخره لزوم مفتوح داشتن راه بزرگ جنوبی را درك و التفات نموده است.

اولین اقدام لازم برای حصول آن نتیجه تعیین فرمانفرمایی است برای فارس که حقیقتاً کافی بوده و راضی به عهده‌گرفتن این خدمت بشود. این اقدام تاکنون کرده شده است چنانچه در اول پیشنهاد گردید که شاهزاده ظل‌السلطان را برای اشغال این مقام و انجام این مرام به ایران بخواهند. حقیقتاً کابینه وزراء در تاریخ ۳ با حضرت اقدس والا مخابره تلگرافی نموده و تکلیف این مأموریت را به ایشان نمودند لکن جلال‌الدوله پسر ظل‌السلطان به پدر خود تلگرافی کرده و چنین صلاح-اندیشی نمود که آن خدمت را قبول ننماید لهذا دولت نظام‌السلطنه را که جدیداً در مقام حکومت کرمانشاه خدمت خوبی انجام داده بود به سمت فرمانفرمایی فارس معین نموده. مشارالیه مابین بوشهر و شیراز مالک املاک وسیعه است و در ایالت فارس دارای يك اندازه نفوذ می‌باشد و قنصل اعلیحضرتی در کرمانشاه خبر می‌دهد که معزایه در شرف حرکت است که به مقام مأموریت جدید خویش برود و این مسافرت را از راه بوشهر خواهد پیمود ولی بدون تقویت يك استعداد قوی امید کمی است که حتی يك حکمران کافی بتواند با اوضاع کنونی فارس مقابله و معامله نماید.

وزیر جنگ متقبل شده که اردویی مرکب از دو هزار الی سه هزار نفر بفرستد و اکنون که دولت ایران نزدیک است که مساعدت مالی از طرف بانک شاهنشاهی قبول نماید ظاهراً امید خوشی است از اینکه تقویت معهود از نظام‌السلطنه بشود

ضمناً چنین اعلام شده که صولت‌الدوله امنیت شاهراه بین بوشهر و شیراز را ضمانت کرده است. ولی بدبختانه از قدر و قیمت این ضمانت به واسطهٔ خبری که در موقع تحریر این مراسله رسید کاسته می‌شود و خبر مذکور حکایت می‌نماید که قافلهٔ اولی که راه منحرف سابق را ترک کرده و به اعتماد و اطمینان ضمانت صولت‌الدوله از این راه رفته بین شیراز و کازرون دوچار سارقین گشته و به کلی غارت شده است. بنده... ج. بازکلی

### نمره - ۲۰۹

مراسلهٔ سر جرج بارکلی به سر ادوارد گری (واصله ۱۹ دسامبر)  
 طهران ۱ دسامبر ۱۱۹۱۰ [۱۰ آذر ۱۲۸۹؛ ۲۹ ذی‌قعدة ۱۳۲۸]  
 آقا

خلاصهٔ ماهیانهٔ وقایع ۴ هفته‌گذشتهٔ ایران را با کمال افتخار لفاً تقدیم می‌دارم. بنده... ج. بارکلی

### ملفوفه در نمرهٔ ۲۰۹

#### خلاصهٔ وقایع ماه نوامبر ۱۹۱۰

#### طهران

خوانین عمدهٔ بختیاری عمأقرب در طهران جمع خواهند شد چنانچه بعضی از آنها تاکنون وارد شده‌اند. خوانینی که اخیراً نایب‌حسین را در کاشان محاصره کرده بودند در راه‌اند و به طرف طهران می‌آیند. سردار اسعد آنها را به واسطهٔ اختلافاتی که جدیداً بین آنها عارض شده و نزدیک بود که منجر به مخاصمه و مقاتله در ایل بشود اجماًحاً احضار به طهران نموده نثار و گفتگوهای بین آنها فعلاً رفع شده است ولی این مسئله باید معلوم شود که کدامیک از خوانین برای حکومت و ریاست ایل بختیاری خواهد رفت. مذاکرات مجلس در مدت چهار هفتهٔ گذشته مستلزم ذکر و تنقید مخصوص نبوده و جلسات مثل معمول منعقد می‌شده و هیچ کاری که اهمیت مخصوص داشته باشد در مجلس علنی فیصل نشده است.

#### رشت

پنجاه نفر ژاندارم در اوایل نوامبر از طهران وارد رشت شده و صد نفر دیگر عمأقرب خواهند رسید.

(۱) در متن اصلی از ماه نام برده نشده است ولی به قرینه باید یکم ماه دسامبر باشد که بهمین گونه ویراسته شد.